هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنـان کـه در راه مـا بـا جـان ومـال جهادکرنـد محققـاً آنـان رابـه راه خـویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

سرمقاله

هفته شهید و یادوارهٔ قهرمان ملی

ارزشگذاری به فداکاری های عظیم

ص۲

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت:

به رأی وخواست مردم باید احترام گذاشته شود

ص۳

دور ششم - سال نهم - شمارهٔ بیست و چهارم ۲۱- سنبله ۱۳۸۸- ۲۲ رمضان المبارک ۱۴۳۰ - 12-septembar - 2009

از هفتهٔ شهید و سالروز شهادت قهرمان ملی تجلیل شد

ص۶





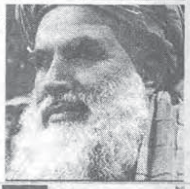
استاد برهان الدین ربانی:

احمد شاه مسعود مظهر صلح خواهی بود



داکتر عبدالله:

آمر صاحب شهید با خدا و وطن تعهد داشت و با این تعهد تا آخر پابند ماند



استاد سیاف:

احمدشاه مسعود مرد ایمان و عمل بود



ستر ژنرال عبدالرحیم وردک وزیردفاع ملی:

ارجگزاری به هفتهٔ شهید و احمدشاه مسعود وجیبهٔ ملی است



احمدضیاء مسعود:

تعقیب راه شهدای جهاد ومقاومت سرمشق خوبی برای جوانان است



احمدولی مسعود:

احمدشاه مسعود اولین کسی بود که زنگ خطر تروریزم را به صدا درآورد



محمدمحقق:

نخستین درس هفتهٔ شهید، وحدت ملی است

کشتار در کندز و استراتژی مک کریستال

ص۴

درس های از قهرمان ملی برای جوانان

ص۵

نشانه های قدرت حق در زندگی مسعود

ص۲

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

هفتهٔ شهید و یادوارهٔ قهرمان ملی

ارزشگزاری به فداکاری های عظیم

جهاد و مقاومت افغانستان ازجملهٔ جنگ و رویارویی های خونبار و پراهمیتی بود که حوادث مهم سالیان پایانی قرن بیستم و سالیان آغازین قرن بیست ویکم را رقم زد. این جهاد و مقاومت نمونه درخشانی از جنبش های استقلال طلبانه و ضد اشغالگری و تجاوز در تاریخ است.

مجاهدین افغانستان دربرابر قدرتی رزمیدند و مقاومت کردند که با زیر پا گذاشتن تمام نورم های بین المللی و انسانی بر یک کشور همسایه، مستقل اما عقب مانده و ضعیف تجاوز کرده و آن را اشغال نموده بود. حقانیت این جهاد و مقاومت یکی از مسلمات ملی وبین المللی شناخته می شد و کسی تردید دراین زمینه نداشت.

درسطح بین المللی اجماع جهانی که بر تایید عادلانه و برحق بودن جهاد افغانستان به میان آمد، در تاریخ روابط بین الدول حادثهٔ کم نظیربود. جز شماری معدود از کشورهای پیرامون و نیم مستعمرهٔ قطب کمونیزم، همه کشورها، جریان های سیاسی و جوامع بین المللی تجاوز اتحاد شوروی بر افغانستان را محکوم نموده از مقاومت وجهاد افغانستان حمایت کردند. محکومیت گستردهٔ اتحاد شوروی با اکثریت بیش از ۱۲۰ کشور در نشست سالیانهٔ سازمان ملل دلیل این مدعاست.

در سطح داخلی و ملی نیز، جز شماری معدود از اعضای حزب دموکراتیک که خود را در اختیار متجاوزین قرارداده و از هر نوع ویژگی استقلال خواهی و ارزش های ملی دست شستند، قاطبهٔ شهروندان افغانستان در جهاد ومقاومت شرکت فعال گرفتند و حتی شماری از گروه های چپ و دارای ایدئولوژی کمونیستی نیز با تجاوز اتحاد شوروی مخالف بودند و برحقانیت جهاد و مقاومت صحه گذاشتند.

قربانی های مردم افغانستان برای جهاد ومقاومت آن چنان گسترده و بزرگ بود که، تحمل آن جز با اتکا بر باور دینی و حقانیت جهاد وروحیهٔ ایثارگری و صبورانهٔ مجاهدین و مردم افغانستان میسر نبود.

در زمان مقاومت نیز یکبار دیگر ما مورد تجاوز قرار گرفتیم، این مقاومت نیز مانند جهاد دربرابر شوروی، برای استقلال و سلامت کشور و دفاع از مردم حیاتی ومقدس بود.

در کشور یک گروهی با اتکا به حمایت تروریزم جهانی، امیال شوم یک کشور همسایه، عقده مندی و کژاندیشی استراتژیک قدرت های جهانی در برابر اسلام و مجاهدین، با مایه گیری از گرایش های منحط وبستهٔ داخلی یکباردیگر استقلال و سلامت کشور را با تهدید روبرو ساختندو با اقدامات وحشیانه وعقب گرایانهٔ خویش ضربه های شدیدی بروحدت ملی و ارزش های دینی وانسانی مردم ما وارد کردند، مقاومت در برابر تهدید جدیدنیز از مشروعیت ملی و بین المللی بهره مندبود.

تروریستان و دشمنان جدید با وجود آنکه از امکانات گستردهٔ برخورداربودند و از شیوه ها وروش های سرکوبگرانه قرون وسطایی چون کشتارهای گروهی براساس زبان، قوم ومذهب و زمین سوخته استفاده می کردند،اما موفق نشدند، مقاومت مجاهدین و مردم را سرکوب کنند و با درماندگی روبروگردیدند.

درجریان مقاومت دربرابر تروریزم و تجاوز نیز، مردم افغانستان قربانی های بزرگی تقدیم کردند و سختی ها و مصیبت های فراوان را ادامه درص۸

نشانه های قدرت حق در زندگی مسعود



محمد میرویس غیاثی

بدون شک او مرد حق بود.

او در زندگی هیچگاه ذلیل نشد.

او مجبور نشد که به دشمنش کرنش کند.

او هیچگاه تحت امر دیگران حرکت نکرد.

او هیچگاه در آن تنگنای قرار نگرفت، تا بدون رضایت وجدان و عقیده اش برای دشمن سر بجنباند.

او هبجگاه در موقعیتی قرار نگرفت که به عنوان دست نشانده متهم شود.

بالآخره؛ روزی که تنگنامی همکامی با بیگانگان فرا رسید، او دیگر نبود و شهادت به سراغش آمده بود، تا گرد ذلت و بردگی بر سیمای او ننشیند.

***

دوستان، یاران و همرزمان مسعود بزرگ در رابطه با کار نامه ها و ویژگی های او زیاد نگاشته اند.

آنچه را که بنده در نظر دارم بصورت اجمال یاد کنم، شرایط و زمینه هایی هستند که با معیار ها و قواعد یک تحقیق علمی جور در نمی آید و در بعضی از این موارد عقل بشر قد نمی دهد، و ما نا گزیریم برای تبیین آن به یک پشتوانهء غیبی پناه ببریم.

* این روایت را شاید بسیاری ها شنیده باشند که؛ «مسعود قبل از اینکه راه جهاد و مبارزه را انتخاب کند، بیش در خواب مردی نورانی و محاسن سفیدی به سراغ او آمد و دستمال سفیدی را بر کمر او می بندد و او را به رویارویی امر بزرگی خبر می دهد. باز چند روز قبل از شهادتش همان مرد به خوابش می آید، آن دستمال را از کمر او باز می کند، او را در تابوتی می گذارد و آن دستمال را بر روی او می اندازد.

رویای اخیر که مسعود باور داشت تا دراندیشهٔ پایان کار خویش بیفتد با خوانواده اش مشوره تا وصیتش را بنویسد، اما خانواده اش با چنین کاری مخالفت کردند، او هم از نگاشتن وصیت صرف نظر کرد».

من هم این روایت را از مردم عوام و نزدیک به فامیل ایشان شنیده ام. در صورت حقیقت داشتن این دو رؤیا هیچ مانع عقیدتی در تحقق آنها وجود ندارد. دین اسلام رؤیا های صادقه را بر می تابد و در چندین جای قرآن کریم از آن یاد شده است. یعنی از نگاه عقیدتی و دینی پذیرفتنی است.

گذشته از این؛ من در زندگی مسعود خصوصیت های بسیاری را دیده بودم که در قالب تحلیل علمی نمی گنجیدند:

۱- مسعود فرزند یک صاحب منصب نظامی بود که با شرایط شهر نشینی و نسبت مرفه عادت داشت و دور از دهکده ها و خشونت های زندگی دهاتی پرورش یافته بود. ولی وقتی به سنگر می رود و در اولین روز های مبارزهء نظامی قدم به کوهپایه های هندوکش و دره های طاقت فرسایش پای میگذارد، گویی او فرزند کوهستان و ده بوده است. چنین می نماید که او همهء عمر خود را در ده و کوه سپری کرده است. هیچگاه کسی نگفته است که او در راه پیمایی های کوهستانی دچار مشکل شده و یا مریض گردید.

این یک قدرت فوق العاده می خواهد که شخصی از محیط شهری و خوابگاه مخملین به سنگ و کوه پناه ببرد و بدون اندک ترین خستگی خود را با آن موافق بیابد و همیشه در راه های مشقت و دشوار سر خیل دیگران باشد.

۲- مسعود در حالت بی تجربگی و بدون کدام پیش زمینهء مطالعه از نظام پاکستان و در سالهای اول هجرت، نیات استخبارات این کشور را در رابطه با افغانستان و جهاد، برای چند دهه بعد مطالعه کرد و دیگر با وجود مرکزیت حزبش در پاکستان دیگر با آن کشور باز نگشت و حتی خود را برای رویارویی های بعدی آماده ساخت.

۳- مسعود در اولین روز های که به پنجشیر قدم می گذارد، بدون اینکه تجربهء قبلی داشته باشد و با مردمان دهات آشنا شده باشد، کاملا یک انسان آگاه به محیط ده و سایکالوژی مردمان آن بود گویی او چند دهه جامعه شناسی دهات را فرا گرفته است. او در اولین اقدام خود از مردم مشوره می گیرد که؛چه کند؟ چه بهتر است؟ از کجا آغاز کند؟ چه جایی مهم است؟ با چه کسی مشوره کند و از که کمک بخواهد؟ آیا با او یک جا در راه دشوار جهاد همراه می شوند یا خیر...؟

این ها کارهای است که، هیچ رهبر و یا قومندانی از قوماندانان مشهور جهاد در اولین روز قیام خود نکرده اند و اصلا به فکر شان هم نمی رسید.

۴- من درست بیاد دارم که؛ در اوایل جهاد در دور ترین نقاط مردمان شمال افغانستان، بدون اینکه از مسعود شناس درستی داشته باشند و یا اینکه او به این شهرت خود رسیده باشد - به مجردی که در پنجشیر در محاصرهء روسها قرار می گیرد و اکثر پایگاه های خود را از دست می دهد - برای نجات او ختم های قرآن می گیرند و مراسم دعا بر پای می کنند.

ما نوجوانان حساسی بودیم، در اکثر این مراسم ها در دهات خود اشتراک می کردیم و می دیدیم که؛ مردم بدون اینکه از مسعود به جز یک مجاهد مثل سایر مجاهدین چیزی دیگری بدانند، همه دست دعا و تضرع به آسمان بلند نموده و برای نجات او دعا میکردند. این نشان می دهد که، او در صحنهء جهاد و مبارزه و در میان سائر جهادیان راه خدا، مرد استثنایی بود.

۵- مسعود بعد از اینکه به جبهات پنجشیر سر و سامانی داد، به فکر راه چارهء بزرگتر و آیندهء فراختر اندیشید و بسیار جرأت مندانه برای تأسیس شورای نظار اقدام کرد. او همهء موانع را که در سر راه او بودند و می توانستند مانع اقدامات او شوند نادیده گرفت، و بدون انکه امکانات و زمینه زیادی در دست داشته باشد این کار را کرد. اگر از دیدگاه علمی سنجیده می شد در محیط اطراف او چنین کاری امکان نداشت. به خصوص وجود جبهات قدرت مند حزب اسلامی که پیرامون او قرار داشتند و مانع او می شدند، اینها همه این اقدام را غیر عملی می نمودند. ولی مسعود گویی که از قدرت و توانایی این موانع و زمان بر طرفی آنها کاملا آگاهی داشت و طبق نقشه همهء نیات خود را عملی ساخت. بدون این که کشتاری رخ داده باشد و یا مشکلی پیش آمده باشد. این هم یک دید فوق العاده می خواهد، تا یک نقشهء استراتیژیک و علمی!

۶- مسعود بعد از اینکه در قدم های اولی خود پیروز می شود، آتش بس موقت را با روس ها امضاء می کند، این یک اقدام مهم و دارای اهمیت بود، فتوا های مغرضان و دشمنان مسعود به سازشکاری با دشمن و...! مسعود همهء این خطرات را گویی اینکه خبر دارد، و به اقدامی این چنینی دست می زند. بعد از آن هم نتیجهء چنین اقدامی، دشمنان را سر افگنده و دوستان را هم مجاب می سازد.

۷ـــ مسعود در تشکیل شورای نظار و سازماندهی نظامی خود، از قوماندانانی کار گرفت که، بعضا آنها را نمی شناخت. ولی مسعود گویی توانایی های این اشخاص را می دانست و با جذب آنها نه تنها که از آنها یک اردوی منظم را تشکیل داد، سبب اصلاح و ارتقای معنوی آنها هم شد. این اقدام به این می ماند که شخصی همچون مسعود برای هدایت دیگران هم مامور شده بود.

۸ـ مسعود بعد از خروج روسها پیش بینی کرده بود که؛ رژیم نجیب تنها می تواند سه سال به تنهایی مقاومت کند. و چنین شد. این هم نشان میدهد که؛ قبل از او هیچ کس دلیل این پیش بینی را نمی دانست. اکثر مطالعه گران بر خلاف این دید، یکسال و کمتر از آن را برای رژیم پیش بینی کرده بودند. حتی خود رژیم هم به این سه سال باور نداشت. ادامه درص۹



استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت:

احمد شاه مسعود مظهر صلح خواهی بود

***

به رأی وخواست مردم باید احترام گذاشته شود

اشاره: درهمایش بزرگداشت ازهفتهٔ شهید وسالروز شهادت قهرمان ملی کشور که شماری زیادی شرکت داشتند استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت، سنخرانی ایراد کرد که متن کامل آن به نشر می رسد.

الحمد لله والصلاه والسلام علی عباده الذین اصطفی اما بعد

درآغاز به مناسبت هفتهٔ شهید درود فراوان برروان همه شهدا و درراس به روان فرزانه فرزند کشور احمد شاه مسعود تقدیم نموده وازبارگاه اقدس الهی برای آنان مقام عالی وجایگاه شایستهٔ را آرزومندم.

به ملت ایثارگرومجاهد ودلاورمردان حماسه آفرین، خانواده های عزیز وارجمند شهدا شهدای زندهٔ کشوریعنی معلولین عزیزکه ازاغازجهاد دردورهٔ مقاومت تا به امروز برای پاسداری از ارزش های جهاد دلسوزانه گام برمیدارند.

با اجازه ازبزرگان جهاد وسایربزرگان محترم، درهفتهٔ شهید هستیم، تجلیل ازهفته شهید، تجلیل ازفرهنگ آزادی وسربلندی است .تجلیل ازهفتهٔ شهید تجلیل ازصلح وبرادری وهمبستگی است .شهادت درفرهنگ اسلامی به معنای حرکت در را ه مرگ ونابودی نسیت، بلکه شهادت به معنای حرکت درراه حیات وزندگی است.

خداوند جل جلاله درسورهٔ انفال این حقیقت را چنین بیان می کند:

(یا أیهاالذین آمنوا استجیبوا لله ولرسوله إذا دعاکم لما یحییکم)

ای مومنان شما ازپیام خداوپیامبرش استقبال نمائید چون شما را به آن چه دعوت می کند برای شما زندگی می بخشد.

ملت های که آمادهٔ شهادت نباشند ملت های محکوم ومرده اند.

ابوبکر صدیق می فرماید.(ماترک قوم الجهاد إلا ذله) هیچ ملتی نیست که جهاد ومبارزه را ترک بگوید مگراین که با ذلت ومحکومیت روبرو نشود.

زمانی که ما ازشهدای بزرگوارکشوردراین هفتهٔ شهید درروزهای ماه مبارک رمضان، ماه تقوی و طهارت استقبال می کنیم، این استقبال مفهوم آن را داردکه ما بخاطر سربلندی وعزت مردم مان ازقهرمان عزیز وشهدای بزرگ مان تجلیل به عمل می آوریم واین فرهنگ را به عنوان یک امانت وارزش بزرگ به نسل های بعدی انتقال میدهیم، تا همیش ملت ما سربلند وحماسه سازباشند.

شهدای ما مظهروحدت وهمبستگی بودند، ازمطالعهٔ تاریخ کشور ما یک حقیقت را درک کرده ا یم که عالیترین شکل وحدت ملت افغانستان وقتی تحقق یافته است که مردم درقیام های آزادی بخش تاریخی شرکت نمودند. دراین وقت است که ملت ما مرزها را درهم می شکنند وبنام یک ملت متحد ویک پارچه درصحنه حضورمی یا بند.

این حقیقت را ما درجنگ های استقلال دربرابرانگلیس ها ودراین اواخر دربرابراتحاد شوروی که همه اقوام افغانستان درپهلوی هم قرارگرفتند و تفاوت قومی و قبیلهٔ را ازبین بردند دیدیم.

و زمانی که ما ازشهدای خود تجلیل می کنیم، به این معنا نیست که ما ازجنگ وکشتارهای بی معنا حمایت می کنیم، بلکه شهادت با انتحار فرق می کند، شهید به دنبال ریختن چون خود نیست، اما انتحارکننده هم خون خرد را می ریزاند وهم خون دیگران را.

شهید برای صلح قربانی میدهد نه برای جنگ، همه قهرمانان شهید ما در رأس انجینیر احمد شاه مسعود مظهر صلح خواهی بود.زیادی ازدوستان که درجلسه حضوردارند ازجمله استاد سیاف حاضراند، درکشمکشی که با طالبان به میان آمد دوستان میدانند که تا آخرین لحظه شهید احمد شاه مسعود به عنوان فرماندهٔ نظامی دولت اسلامی اصلاً آماده نبود دربرابرا طالبان بجنگد.

من بخاطردارم وشاید شما هم به خاطرداشته باشید، زمانی که طالبان ازغزنی به ولایت لوگررسیدند، از لوگربه چهارآسیاب رسیدند.

برخی ازفرماندهان مجاهدین پیام مخابره فرستادند که چه کنیم؟ طالبان می خواهند به زور سنگر های مار ا بگیرند، گل حیدر یکی ازفرماندهان مجاهد بود، پیام فرستاد که آمرصاحب توبه ما اجازه جنگ نمی دهید، اما طالبان یکی بعدی دیگری سنگرهای ما را گرفتند درسنگ نوشته رسیدند ما چه کنیم؟ بازهم پیام فرستاد که جنگ نکنید.

من خود شاهد هستم ما پیام فرستادیم به قوماندانان طالب که بیایید باهم صحبت بکنیم، شما برای چه می جنگید، آماده شدند، ملا بورجان همراه رئیس عبدالواحد که قبلاً درصف مجاهدین بود وبعداً به طالب ها پیوسته بود، درماه مبارک رمضان بود، آمدند به کابل ویکجا روزه را درقصر نمبر یک افطارکردیم، من وانجینر شهید پرسیدیم که آخر شما چه می خواهید جنگ برای چه؟ پیشنهادات شما و خواست تان باید ازطریق مذاکره حل شود.

صحبت کردیم وموافقه شد پنجاه تن از علمای دوجانب بنشینند و هرفیصلهٔ که بکنند ما آن را باید بپذیریم، اما طالب ها بعداً آن فیصله هارا نپذیرفتند.

یکی ازتهمت های که با مسعود شهید دارند این است که چرا با روس ها پیمان صلح را امضاء کرد؟ این پیمان بیانگراین حقیقت است او طرفدار جنگ نبود، و با روس ها هم این پیام را داد که چرا جنگ، بیایید ازطریق گفتگوها قضیهٔ افغانستان را حل کنیم. همه بخاطردارند و به ویژه بزرگان جهاد به یاد دارند، زمانی که حکومت داکترنجیب درآستانه سقوط قرارگرفت ومجاهدین باید به کابل می آمدند در پیشاور همه رهبران جهادی باهم نشستند حضرت صبغت الله مجددی به عنوان اولین رئیس دولت مورد قبول همه قرارگرفت و باید ایشان با کابینهٔ تعیین شده به کابل می آمدند و انتقال قدرت صورت می گرفت، درآن زمان حکمتیار درجلسات حاضرنبود ایشان به سوی لوگر آمده بود و برنامهٔ به خصوص خود را داشت.

انجنیرشهید با من صحبت کرد و خبر داد که حکمتیار می خواهد مسلحانه داخل کابل شودو پیشنهاد او این بود که ما میتوانیم مانع او شویم، زیرا مردم کابل تحمل جنگ را ندارند و باید یک مسلح داخل کابل نشود، همه باید منتظر باشیم رئیس دولت اسلامی باکابینه خود بیاید و بصورت مسالمت آمیزقدرت را تسلیم شود و بعداً به اساس هرفیصله که می شود ازطریق دولت مجاهدین صورت بگیرد این پیام را من ازطریق اعضای حزب به حکمتیار به لوگر فرستادم و از وی تقاضا کردم مسلحانه داخل کابل نشود، همه باید منتظر باشیم که رئیس دولت افغانستان بیاید وقدرت را تسلیم شود و چون آقای حکتیاربه قاضی حسین احمد روابط نزدیک داشت، ازوی خواستم که او هم دراین جهت تلاش کند. بعداً زمینه مساعد شد که انجینرشهید تقریباً حدود یک ساعت با وی صحبت کرد. مسعود شهید دراین صحبت ازحکمتیار تقاضاکرد که با افراد مسلح داخل کابل نشود. اما حکمتیار اصرارداشت که حتماً ازطریق جنگ داخل کابل می شود متأسفانه حکمتیار حکومت مجاهدین را به رهبری حضرت صاحب نپذیرفت و براثر آن مشکلات زیادی دامن گیرملت ما گردید.

مرحلهٔ اسفناک و درد ناک ازهمان روز آغازشد، مجاهدین البته اشتباهاتی نیز داشتند، اما با تأسف که جامعه بین المللی که امروز آمده اند با ملت افغانستان همکاری بکنند، اشتباهات بزرگی را درآن زمان آنها مرتکب شدند نه تنها افغانستان را تنها گذاشتند، بلکه جنگ را مشتعل ساختند. مشکل طالب که امروز دنیا دربرابر حل آن عاجز مانده ازکجا آغازشد؟ طالب به عنوان یک پروژه دربرابرمجاهدین تنظیم شد.

درمطبوعات بین المللی بعضی ازنظریه پردازان به حکومت ایالات متحده امریکا پیشنهاد می کردند ومقاله نوشتندو درآن مقاله ها برای کنار زدن مجاهدین و تقویت طالبان دعوت کردند.

یکی ازنظریه پردازان مقالاتی درمورد جنگ افغانستان نوشت در یکی ازمقاله هایش نوشت که حکومت امریکا تلاش کند و ازکشورهای دوست عربی بخواهد تا به جریان طالب کمک فراوانی صورت بگیرد، زیرا این ها یک جریان سنتی هستند و باید تقویت شوند و برخلاف مجاهدین که یک جریان سیاسی اسلامی هستند، باید دربرابر این ها طالبان که یک جریان های سنتی هستند تقویت شوند.

ما امروزدربرابرفرهنگ انتحار قرارداریم وآخرین آن شهادت داکترعبدالله نعمانی معاون امنیت ملی بود، که البته این آخرین نیست.

شما ببینید که این ها چه اشخاصی را انتخاب می کنند تنها گناه داکترهمین بود که در دولت کارمی کرد، حال که او یک انسان متدین و از خانواده مجاهد بود.

همه خانواده داکترعبدالله مجاهد بود، مادر شهید یک مجاهد بود درسخترین شرایط پیام های را انتقال می داد و خطر را به جان خود قبول می کرد. این ها چنین شخصیت ها را ترورمی کنند. ما فعلاً دریک مرحلهٔ حساس کشورمان قراردارد.

انتخابات به عنوان خواست ملی و نیاز جامعه درکشورهای که می خواهند به اراده ملت خود احترام بگذارند می باشد. طی هشت سال یک سلسله مشکلات و بی اعتمادی ها دربین زعامت سیاسی وملت ما ن قصداً ایجاد شد.درمرحله فعلی دراین امتحان بزرگ، اگرما جداطرفدارشفافیت انتخابات نباشیم وجلوتقلب ها را نگیریم، یقیناً مشکلات زیادی دامنگیرملت می شوددراین مرحله پیام همه ما باید این باشد که انتخابات عامل تفرقه وکشمکش درمیان ما نشود خدای نا خواسته عامل برخورد های جدیدی درکشورما نشود.

همه باید درحرف وموضع گیری های خود دقیق باشیم، شکی نیست که اگرخدای ناخواسته آشوبی جدیدی درکشوربه میان بیاید، ازاین آشوب تنها دشمنان داخلی وخارجی افغانستان استفاده می کنند.

ما باید به اختلاف وکشمکش اجازه ندهیم اما لزوماً به ارادهٔ مردم و رای مردم وخواست مردم احترام بگذاریم به رای حقیقی مردم که برمبنای شفافیت به میان می آید باید احترام بگذاریم

من حرف های زیادی داشتم وقت دوستان را زیاد نمی گیرم، ماباید درهفتهٔ شهید پیامی داشته باشیم، شهداء پیام دارند پیام آن ها این است که اولاً به همراهانشان که درسنگر های پرافتخارحضورداشتند پیام شان این است که راه آنها باید ادامه پیداکند، راه شهدا راه دفاع ازمقدسات دینی، وحدت ملی و همبستگی ملی است، نباید به اختلافات قومی اجازه بدهیم که به وحدت، همدلی ما لطمه وارد کند. دراخبار خواندم که کامبخش آزاد شده است، او یک جوان بود وآزادی او هرعامل که داشته من نمی دانم، اما من یک چیز را می خواهم بگویم که آزادی بیان حق همه است، اما باید حریم مقدسات شکستانده نشود، تشویش ما این است که بعضی مردم به مقدسات ما تعرض می کند و این را یک سکوی پرش برای رفتن به خارج برای خود ساختند.

عبدالرحمن مرتد شد و دیدیم که دروازه خارج بر روی وی باز شد وکشورهای دوست افغانستان ازوی استقبال کردند.

می ترسیم که این یک راه برای مرزشکنی وراه مهاجرت های پلان شده برای یک عده مردم تبدیل نشود که این یک سنت بسیا نادرستی خواهدبود. ما امید وارهستیم که راه شهدای ما که راه صلح عزت وسربلندی است حفظ شود

اقول قولی هذا واستغفرالله لی ولکم ولسائرالمسلمین

روزی عقاب ها

به یاد از قهرمانی های احمدشاه مسعود

د. وفأ معصومی

هرچند بال اوج پریدن فسرده است
هرچند بانگ غُرشِ آن نعره های رزم ، چندی شکسته است
هرچند روی آئینه های ضمیرشان ،
از دود وخاک رشک حسادت مکدر است
اما ! آنجا ،از قله های کوه ، از دره های سخت
نام ترا عقاب ،رزم ترا پلنگ ، راز ترا هوا ، قلب ترا خدأ
با گریه های کوه ،با ناله های آب، با غصه های جنگل وآن
برگهای زرد ،با خود برند به کوه و در ودشتِ خاوران ،در گوش
فرد فرد تبارت صدا زنند :
« باید که باز باد، از عمق دره ها ،هباکِ قله ها، یاد غریو رزم بی
همتای تو کند»
آنگاه هر فردِ خاک را ، گویند زعشق میهن وپاک وصفای تو
آن فرد افسانه های رزم ترا می برد به کوه
کوه از دلیریهای تو گوید به دره ها ، آن آبشارها، افسرده دشتها
دشت از صدای چکمه وآواز گوله ها ، رزم ترا به خلق تو تکرار میکند
تا خواب ها پرَد ، تا اشکها چکد ، از گوش وچشم ملت میهن پرست
تو
تا رشته نگسلند ، دستان بهم دهند اندر دفاع زخاک وز خلق وزبان
تو.
بعد از طی قرون ، هر پاره برف را ، هر قطره اشک را دریا کنند ونام
ترا
نعره میزنند.
بعد از تو روزها ، همچون شب سیاه، از روز مرگ تو، روزِ سیاه ما

نشد

سعادت پنجشیری

گل کشتی و گلزار نشد این وطنت
دل دادی و دلدار نشد این وطنت

بیدار نشستی همه شب تا به سحر
افسوس که بیدار نشد این وطنت

با آتش نو بهار گرم اش کردی
در خویش پدیدار نشد این وطنت

هر چند شکستی همه افسون زمان
آئینه ای دیدار نشد این وطنت

پیوسته گهی ماه و گهی مهر شدی
روشن به شب تار نشد این وطنت

سر دادی که سرسبز کنی هر وجبش
باله یی تو یار نشد این وطنت

ترکیب تناقض است در دیده ی دهر

مسعود قهرمان بزرگ زمانه بود

عبدالقیوم ملکزاد

مسعود: قهرمان بزرگ زمانه بود
کوهی زبار درد دیارش به شانه بود

از بهر این عقاب فلکتاز تیز چنگ
در قلهٔ بلندشرف آشیانه بود

ازهیبتش به لرزه عدو بود روز و شب
نامش به فرق کور دلان تازیانه بود

ازبس به عشق عزت اسلام می تپید
کان عشق بود آتش و او درمیانه بود

در راستای رهبری سالم جهاد
بی شبهه درمیان دلیران یگانه بود

بررغم ادعای فرومایگان همیش-
درشاهراه پاکی وعزت روانه بود

دروصف بوستان سلحشوریش مدام
بر هر لبی هزار سرود و ترانه بود

پیروزی ارکه بوسه به پایش زدی همیش
حجت جز این نبود که از حق جدا نبود

حضورسبز

شفیق احمدستاک

تو رفتی، نام پاکت شهرهء روی جهان بادا!
«دل سنگ زمان زین پس» بخاکت مهربان بادا!

« بباغ دوستانت باد نوروزی وزان بادا
عدوی تو اسیر پنجهٔ باد خزان بادا!

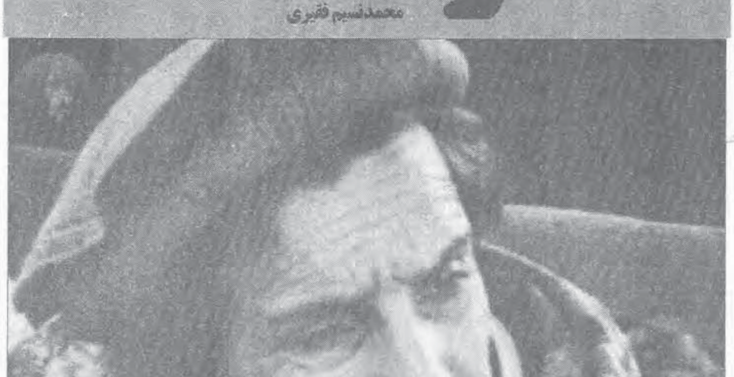
الهی از حریم خاک تو ای نور چشم من
بریده دست خون آلودهٔ اهریمنان بادا!

نفاق ونام نفرت بار جنگ وکشتن انسان
الهی دور از سر تاسر افغانستان بادا!»

الهی جایگاه هر شهید امت اسلام
به لطف ومهر واحسانت، بهشت جاودان بادا!

مسعود چنان که بود!

محمدنسیم فقیری



ما عادت داریم که درمورد افراد و شخصیت هایی که از دست داده ایم، حرف هایی زیاد در مدح و توصیف آنان بگوییم، بخصوص در مورد شخصیت های نامدار و بزرگ!

این ستایش ها و توصیف ها بیشتر به صورتی عمل می آید که با حال و هوا و فضای امروزی ساز گار باشد و مورد پسند همگان! در مورد شهید احمد شاه مسعود قهرمان ملی افغانستان نیز چنین حرف هایی گفته شده و گفته می شود و این جفای بزرگی است در حق این شهید بزرگوار!

هر انسان و هر مسلمان باید همواره حرف های راست و درست را بگوید و به ویژه در مورد رفتگان و آنانی که حیات ندارند تا درست و نا درست حرف های دیگران را نشان دهند و از خود دفاع کنند!

بنابراین مسعود شهید چنانکه بود، معرفی گردد و با ارزش های امروزی و در چار چوب میل و خواست و نظر دیگران (خارجی و داخلی) نباید به تصویر کشیده شود.

در این جا فقط به چند مورد اشاره می شود که بعضی از به اصطلاح مسعود شناسان و یا نویسندگان و تحلیلگران حامی مسعود شهید، آن را برجسته می سازند:

۱ـ مسعود افغان بود و افغانی فکر می کرد... درست است که شهید مسعود یک افغان وطن دوست بود و برای نجات کشور خویش به دست پر توان افغان ها فکر می کرد و مخالف نفوذ و مداخلهٔ تمام خارجی ها به شمول مسلمانان همسایه ها بود ولی این هرگز بدان معنی نیست که او یک ناسیونالیست بود و هیچ پیوندی با سایر مجاهدین و آزادیخواهان در دنیا نداشت! مسعود مجاهدین کشور های دیگر را در صف جهاد می پذیرفت و از احساس اسلامی و فداکاری آنان قدر دانی می نمود. حضور شهید داکتر عبدالله عزام و برخی از مجاهدین عرب ـ ولو به مدت کوتاه ـ در کنار مسعود و نوشتن و گفتن در ستایش مسعود از زبان و قلم دکتور عزام و عبدالله انس و دیگران شاهد و گویایی این واقعیت است.

مسعود شهید به مسألهٔ صلح در تاجکستان و دفاع از مجاهدین و نهضت اسلامی تاجیکستان و هم چنان دفاع از فلسطین و سودان و ... سخت علاقه مند بود و با وجود مشغولیت زیاد در امر تأمین صلح در کشور و پایان بخشیدن به آشوب ها و جنگ های نا روا، از ضرورت کمک به سایر مسلماان غافل نبود!

۲ـ بعضی ها قصد دارند تا شهید مسعود را به صورت یک شخصیت لیبرال و دموکرات به مفهوم غربی آن معرفی نمایند تا به مذاق غربی ها خوش آیند باشد. در حالی که شهید مسعود به اصول دینی و احکام شریعت بیشتر از همسنگران خویش پابند بود.

برخی از کسانی که می خواهند او را بصورت دلخواه و مطابق پسند غربی ها معرفی کنند، از وجود اسناد معتبر در زندگی مسعود شرمنده اند، و شاید دل شان بخواهد در آینده ها، پکول او را در تصاویر و فیلم ها از سر او بردارند و ریش او را تراشیده نشان دهند و صحنه های نماز و دعا را از عکس ها و فیلم ها حذف نمایند!

۳ـ آنانی که می خواهند مسعود را یک آزادیخواه به تصویر بکشند نه به این منظور که او مخالف هر نوع خشونت، استبداد، تحجر و برداشت های غلط، مغنی و سختگیرانه از اسلام بود، بلکه بی تفاوت بود در امر حجاب شرعی و عفت زنان و بی بند و باری و نواهی را دریک حدی می پذیرفت و ... در حالی که مسعود به اصول دین و احکام شرعی و رعایت آن توجه کامل داشت و در خانوادهٔ خویش ـ به صورت سخت گیرانه ـ آن را رعایت می کرد!

۴ـ اعتدال، میانه روی و اسلام معتدل از حرف هایی است که زیاد شنیده می شود و منظور از آن، نشان دادن شخصیت مسعود بازهم به صورت لیبرال است و پرهیز و دوری از اصول گرایی و پابندی به احکم شریعت!

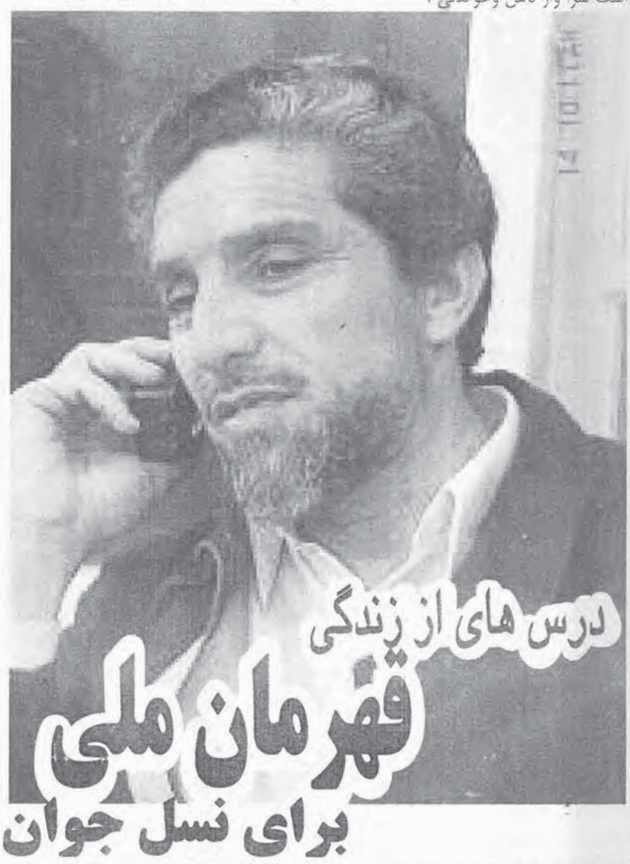
مسعود به صراحت گفته بود که از آثار و اندیشه های امام حسن البنا، استاد سید قطب و مولانا مودودی تاثیر پذیرفته پابندی شهید مسعود به این اصول و ارزش ها را می توان در حکایتی دید که در مقابل الحاح و زاری یکی از دیپلومات های ختم وظیفه شده، در دوران مقاومت اظهار شده بود، متقاضی می خواست تا شهید مسعود از نفوذ خویش استفاده کند و او به وظیفهٔ قبلی برگردد و یا در جای دیگر!

شهید مسعود از او می خواهد تا سورهٔ اخلاص را بخواند و وقتی که متقاضی نمی تواند، به او می گوید! جای شرم است که یک افغان و یک مسلمان که از دولت اسلامی در خارج نمایندگی می کند، یکی از سوره های قران کریم را که معمولاً در نماز ها خوانده می شود، به یاد ندارد ولی با این هم تقاضای نمایندگی از دولت اسلامی مجاهدین را در خارج دارد!

۵ـ بعضی از ارادتمندان مسعود شهید و یا دیگران، حین نام گرفتن از قهرمان ملی، نام برخی از شهیدای نامدار کشور را نیز در ردیف قهرمانان ملی می برند و گویا می خواهند نشان بدهند که سایر شهدا نیز فراموش نشده اندو ... کاملاً درست است که حین ذکر نام و شهامت و شهادت یک شخصیت بزرگ، از سایر شخصیت ها نیز یادی به عمل آید ولی موضوع قهرمان ملی کاملاً از آن جداست!

قهرمان ملی در افغانستان فقط یک شخصیت است و آنهم شهید احمد شاه مسعود و نباید این لقب بزرگ عام شود، انچنان که از اهمیت آن کاسته شود.

وجود شخصیت های استثنایی در درازای تاریخ زندگی بشرکه می توان ازآن ها به نوابغ نیز یاد کرد امری است سزا وار تأمل وخواندنی .



درس های از زندگی قهرمان ملی برای نسل جوان

سیدعنایت الله شاداب استاددانشگاه کابل

آری! درهردورهٔ ازدوره های زندگی جوامع انسانی به شخصیت ها وابرمردانی برمی خوریم که با فکر وکارکرد خود ایجادگر تغییر درزندگی ملت های خودگردیدند و این امر بیانگر این حقیقت است که زندگی هم چون سایر پدیده های طبیعی درخط تغییر وتحول قرارداشته و باورهای برخاسته از برتری خواهی های قومی و قبیلوی که خود بستری برای ناهنجاری های اجتماعی اند، با ظهور شخصیت های این طراز، نیز درمسیر تند باد های تغییر وتحول قرارمی گیرند.

نکته های یاد شده الهام بخش این امراست که مادرزمان هرگز اززادن شخصیت های تأریخ ساز و دوران آفرین درمقاطع مختلف تاریخ نازا وعقیم نبوده، اگرچه مدت این زایمان به درازا بکشد ودرهردور ازدوره های زندگی، جریان های جوانه می زنند وشخصیت های ازدرون این جریان ها قد علم می کنند وبه چهره های غبارآلود هویت ملی وتاریخی خود جلوهٔ تازهٔ بخشیده و با برداشتن گام های بلند تاریخ ملت خود و ملت های دیگر، حماسه می آفرینند وخطوط نوی را برای آنان درگذرگاه زندگی ترسیم می کنند.

بلی! شخصیت مسعود قهرمان ملی کشور را، باید ازهمین زاویه مورد مطالعه قرارداد وکارنامه های اورا درتاریخ این ملت، قربانی استبداد های سیاسی ومظالم اجتماعی ازچنین دیدگاهی باید بخوانش گرفت.

واما این که چه عواملی باعث وجود چنین جایگاهی برای مسعود درسطح منطقه و جهان، افزون برکشور زادگاه اوگردید وچه چیزهای باعث گردید که خیاط زمان چنین جامهٔ تحسین برانگیر را به قد وقامت شخصیت او پاره کند بگونهٔ گذرا باید به چند نکته دراین راستا اشاره کرد:

تدین وخدا باوری:

مسعود درهمه کارهای نظامی واجتماعی وسیاسی خود هرگزازیاد خدا دورنبوده، وهمواره درآغاز وپایان کارخود، لطف خدا ومهربانی او را ازیاد نبرده وهنگامی که برنامه های نظامی خود را دررابطه به فتح مراکز نظامی دشمن تنظیم می کرد و وارد مرحله عمل می شد، با تلاوت آیاتی ازقرآن وگفتن "بسم الله" و الله اکبر دستور حمله را صادرمی کرد و درهنگام نتیجه گیری عملیات نظامی خود لطف خدا را عامل اصلی پیروزی خود قلمداد می کرد.

البته این روش خدا باورانه او افزون برآن نیایش ها ونجواهای او بود که شب هنگام وسحرگان با خدای خود داشت.

پیوند بامردم:

مسعود درطول دوران زندگی نظامی وسیاسی خود هرگزازمردم دور نبوده وتصامیم نهائی که بعد ازگرفتن رأی مردم درکارهای که به کسب رأی آنان لازم شمرده می شد، اتخاذ می کردکه نمونهٔ والای این روش را می توان درگردهمائی مردم ومجاهدین پروان وکاپیسا هنگام هجوم طالبان به درهٔ پنجشیر واشغال چاریکار توسط نیروهای طالب به تماشا گرفت واو هنگامی که رأی مردم را در دفاع ازمراکز مجاهدین گرفت تصمیم واراده خویش را دراین جمله به نمایش گذاشت" اگر به مساحت کلاه خود هم درکشورجای داشته باشم ازکشور بیرون نشده وازآن دفاع می کنم"

باوربه ارزش ها ی دینی ودفاع ازحریم آن ها:

این اصل را می توان درتربیه اسلامی مجاهدین وگروپ های تعلیمی ونهاد های کومندوئی او مشاهده کرد.

هرگاه ازاین دسته افراد مجاهدین تخلفی از موازین اخلاقی صورت می گرفت، کیفرها و جزاهای مختلفی درانتظار آن ها بود، ازآن کیفرهای تأدیبی گرفته تا اخراج آن ها ازصفوف جهادی، وسخن به جایی رسیده بود که هرگاه مجاهدین تحت فرمان مسعود وارد محلی می شدند، مردم می گفتند، مجاهدین نظمی آمدند ومردم آن محل به دیدهٔ احترام به آن ها می نگریستند.

شرکت درخوشی واندوه مردم:

مسعود همواره با مردم خویش حشرونشربوده ودرخوشی وغمگساری های آنان شخصاً ویا نمایندهٔ با پیام او شرکت می جست.

تشخیص یاران آگاه وبا وفا:

مسعود دراین عرصه ازشایستگی خاص برخورداربوده ودراین راه ازتیوری عصبیت (انتخاب اشخاص وفا دار به ارزش های مومن به یک نهاد) ابن خلدون که مقدمهٔ کتاب او همواره یارحضروسفر او بود، بهره برده وخود می دانست که نقش این گونه اشخاص درتداوم برنامه های جهادی ودشمن ستیزی او در چه حدی مهم قابل توجه است.

صلح خواهی:

مسعود زندگی صلح آمیز را حالت اصلی جوامع انسانی دانسته وبه جنگ زمانی دست می یازید که کارکردها وبرنامه های صلح خواهانه کارگرنمی افتاد. این ایمان و باورمندی او به صلح را می توان دربرخورد او با مجاهدین سائر تنظیم های جهادی مشاهده نمود، قبول پیشنهاد وآتش بس شوروی ها، رفتن او به میدان شهر جهت مذاکره صلح با طالب بدون هرگونه تشریفات وآمادگی نظامی ازموارد وقابل توجهی دراین عرصه به شمار می رود.

برنامه کاری هدف مندانه:

قهرمان ملی به هیچ کاروبرنامهٔ درعرصه های مختلف نظامی واجتماعی بدون برنامهٔ هدفمندانه اقدام نمی کرد.

مسعود درکارها و عملیات نظامی خویش ازطریق ارائه میزهای ریگی وتهیه نقشه های مودعملیات و تشخیص نقاط قوت وضعف خود ودشمن، در واقعیت امر مشت متخصصان نظامی داخلی و خارجی را باز کرده بود.

او درسال ۱۳۷۸ درگلبهار زمانی که همه رهبران جبهه متحد و فرماندهان نظامی حضورداشتند وبنده هم درآن جلسه

ادامه درص۶

مسعود او منځ لارې اسلام

فقیری

د افغانستان د ملي اتل شهید احمدشاه مسعود له شهادت څخه وروسته، د هغه دوستان او ځینی نورخلک غواړی چې د مسعود په هکله داسی خبرې وکړی او دهغه شخصیت داسی وانځوروي چې د اوسنی وضعی او ارزشتونو سره همغږې ولري!

دا دول انځورونه که څه هم دښه نیت پر بنسټ وي او موخه یې داوي چې مسعود د نور و فکرونو او ډلو د علاقی وړ وګرځی خو دا ډول هلی ځلی به زمونږ د نا متو شهید سره په جفاوی او دهغه روح به وځوروي!

ددې منفی او نا روا هڅو نه یو د منځ لارې اسلام خبره ده چې مسعود ته نسبت ورکول کیږی! په دی کې هیڅ شک نشته چې مسعود اورپک او افراطی نه و او له ډاراچونی او ترهګری نه یې کرکه لرله. همدارنګه یو اصولی او په حقیقی توګه یو مسلمان و. هغه په زغرده ویل چې د شهیدامام حسن البنا، شهیدسیدقطب او مرحوم مولانا مودودی له لیکنو او اندیشنوڅخه متاثرو او له نړیوال اسلامی غورځنګ سره فکری تړاو درلود.

نو سوال دا ده چې منځ لارې اسلام یعنی څه؟

ځینی غواړي چې منځ لارې اسلام داسی معرفی کاندی چې د منکراتو پروا نلری، د شریعت نفاذ نه غواړي، لوڅ لغړ ډیموکراسی منی او...

شهید مسعود هیڅ کله داسی اسلام نه غوښت او هغه ته یې بی دینی او سیکولریزم وایه!

اسلام یو اسلام دئ په هغه کې افراطیت او بې پروایی نشته، اسلام د اعتدال دین دئ او دا د قرآن او دحدیث خبره ده نه دیو کس او بل کس!

مسعود د اسلامی نظام واکمنی غوښته او دشریعت پلي کیدل. مسعود نه یواځی د افغانستان بلکی د نړی د مسلمانانو د خپلواکی او هوساینی په فکر کې و.

د مسعود په فردی او کورنی ژوند کې د دې ښکاره واقعیت ډیری بیلګی شته چې هغه د شرعی حجاب او د ښځو د عفت د ساتنی په اړه څومره سخت او جدی و.

تراوسه پوري دشهید مسعود د ماندینی عکس او یا مستند فلم چی دهغی ځیره، مصاحبه، او یا خبری په کی وي نشته او ښودل شوې نه ده! په دې هکله د شهید مسعود او دهغه د کورنی دریځ د شرعی حجاب له چوکاټ نه هم سخت و.

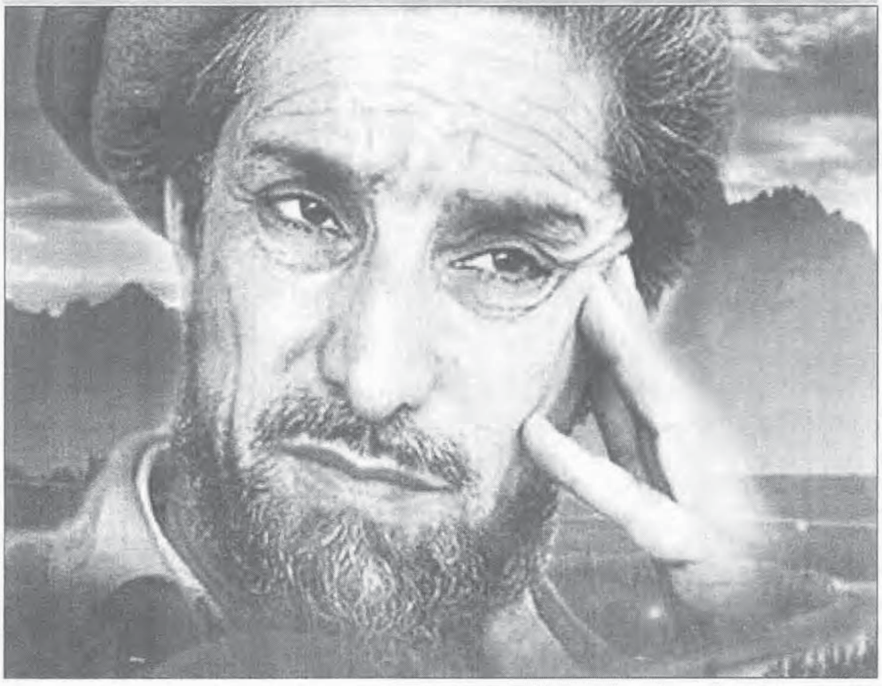
یو شاعر وایی:

زمانې ستا اسلام هم ولیدو
دی خو په کلپ کې ګډیدې هم شی

نو شهید مسعود داسې اسلام چې اوس ورته منځ لارې اسلام ویل کیږی باور نه درلود.

ازهشتمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور، درکابل تجلیل شد

گزارش از : نذرالله عنایت



درمحفلی که به مناسبت هشتمین سالروز شهادت احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور در تالار خیمه لوی جرگه (چهارشنبه ۱۸ سنبله) تدویر یافت، رهبران جهادی، شخصیت های ملی، اعضای دولت، سفیران مقیم کابل و صد ها نفر ازهموطنان شرکت کردند.

محفل با تلاوت آیاتی متبرکه آغازگردید و سپس سخنرانان، درباره قهرمانی های شهید احمد شاه مسعود، ابعاد شخصت وی وهفتهٔ شهید اظهارنظر نمودند.

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهادو مقاومت گفت: تجلیل ازهفتهٔ شهید تجلیل ازفرهنگ، آزادی و سربلندی، است.

استاد افزود شهادت درفرهنگ اسلامی به معنای رفتن به سوی نیستی ونابودی نسیت، بلکه حرکت درراه حیات وزندگی ابدیست و شهید احمدشاه مسعود مظهر صلح خواهی بود.

استاد با اشاره به کشمکش های دههٔ هفتادگفت: بعد ازپیروزی مجاهدین، قدرت های جهانی و منطقه یی جفاهای زیادی را علیه ملت افغانستان مرتکب شدند، آنها نه تنها افغانستان را تنها رها کردند بلکه عملاً در افروختن جنگ درکشور نقش داشتند.

استاد حرکت طالبان را درآن زمان یک حرکت ساخته شده ازسوی خارجیان عنوان کرد وافزود تا امروز افغانستان وهم کشورهای دیگرتاوان این اشتباهات را می پردازند.

استاد افزود، طی هشت سالی که گذشت مشکلات زیادی دامنگیر افغانستان شد براثرآن بی اعتمادی نسبت به حکومت افزایش یافته و فاصله بین ملت وحاکمیت با گذشت هر روز اضافه ترگردید.

استاد افزود، درصورتی که به آرای مردم بها وارزش داده نشود وجلو تقلب گرفته نشود، بدون شک و مشکلات زیادی دامنگیر ملت خواهد شد. استاد تأکید کرد که لازم است، شفافیت انتخابات تأمین شود وبه آرای واقعی مردم احترام گذاشته شود.

استاد افزود، افغانستان اکنون درمرحلهٔ حساس تاریخی قرارداریم، دراین مرحله باید همه گروه ها جوانب احتیاط کامل را رعایت نمایند تا خدای نخواسته وضعیت بسوی آشفتگی نرود، استاد علاوه کرد، درصورت تشنج درکشور، دشمنان و کسانی نفع خواهند بردکه امروز عملاًعلیه دولت و نظام می جنگند.

استاد با اشاره به آزادی پرویزکامبخش گفت، فکرمی شود کسانی از توهین به مقدسات و ارزش ها به عنوان سکوی برای رفتن به غرب استفاده می کنند. استاد تأکیدکردکه باید از مرز شکنی و توهین به ارزش ها و مقدسات جلوگیری شود.

رهبرجهاد و مقاومت گفت، درهرسال درهفته شهید باید یک پیام داشته باشیم، این پیام، پیام شهیدان است، این پیام وحدت و یکپارچگی ملی است، آنچه حکه شهیدان ما مظهر آن بودند.

داکترعبدالله عبدالله کاندیدای ریاست جمهوری که سی سال افتخار کارکردن درکنارمسعود شهید را داشت، دراین محفل گفت، آمرصاحب در راه صلح وآزادی افغانستان جان خود را ازدست داد او می خواست کشور را ازبحران و جنگ را از راه مذاکره حل نماید اما به هیچ وجه نمی خواست سرنوشت افغانستان را بدست طالبان بگذارد.

داکترعبدالله افزود، آمرصاحب شهید با خدا و وطن تعهد داشت و با این تعهد تا آخرین لحظه زندگی باقی ماند.

داکترعبدالله گفت، تمام تلاش آمرصاحب این بود که مردم سرنوشت خودشان را خود ازطریق رفتن به پای صندوق های رأی تعیین کنند وهرکس دراین وطن تنها حق یک رأی را داشته باشد. او افزود، آمرصاحب خواهان عدالت اجتماعی بود، ومی خواست فرهنگ برتری طلبی قومی از میان برود.

عبدالله با اشاره به آنچه که مسعود شهید می خواست افزود، آرزوی شهید مسعود این بود که درافغانستان یک نظامی به میان بیاید که هم بتوانیم با خودمان در فضای صلح زندگی کنیم وهم به عنوان عضو جامعهٔ بین المللی با دیگران زندگی صلح آمیز داشته باشیم.

داکترعبدالله شهداء، مخصوصاً قهرمان ملی را مایه یک پارچگی ووحدت ملی خوانده یاد آورشد که اگر خاطرقهرمان ملی وشهداء نمی بود، هیچ کسی نمی توانست این طیفی که اکنون دراین جا جمع شده اند را فراهم آورد.

دراخیر دکتورعبدالله افزود، من هیچگاهی ادعا نکردم ونمی کنم که، جا نشین مسعود شهید هستم اما به عنوان یک دوست، یک رفیق ویک شاگرد، تعهدی را که با خدا وبا مردم کردم دراین تعهد تا آخر خط استوارخواهم ماند.

استاد سیاف یکتن ازرهبران جهادی گفت: شناخت که من از آمرصاحب شهید داشتم این بود، او مرد ایمان وعمل بود وبرای همین خصوصیات اش درقلب ها جا داشت وهمه او را دوست داشتند. استاد افزود درزندگی برنامه ها وکارهای کلان کرده بود اما برای کلان شدن هیچ حرص و آز نداشت.

سیاف با اشاره به چالش های که ازسوی تروریزم دامن گیر دنیا است، یاد آورشد که مجاهدین با وجود آنکه امکانات وسعیی در داخل وخارج کشور برای ضربه زدن به منافع اتحاد شوروی داشتند، اما یک اقدام تروریستی انجام ندادند وی گفت، مجاهدین مخالف حملات انتحاری بودند.

استاد سیاف افزود، طالبان زاده مجاهدین نیست، بلکه این گروه را خارجیان ساختند. خارجیان به منظور کنار زدن مجاهدین گروه طالبان را ساختند و مجاهدین را کنار زدند اما درفکر بدیل نشدند و امروز با چنین مشکلاتی رو برو می باشند.

سترجنرال عبدالرحیم وردک وزیر دفاع ملی و رئیس کمیسیون برگزاری مراسم هفتهٔ شهید گفت: هفتهٔ شهید هفتهٔ میثاق خون است و هفتهٔ تجلیل ازکسانی است که کلمهٔ تسلیم درقاموس شان نبوده به مرگ وخون خندیدند..وی تصریح کرد هفتهٔ شهید و تجلیل از آن یکبار دیگر دل ما را به درد آورده و خاطرات زنده شهدای راه عزت و شرف کشور را زنده می سازد وزیردفاع ملی افزود ارج گزاری به هفتهٔ شهیدو احمد شاه مسعود برای همه مردم مجاهد ما، یک امرضروری ووجیبهٔ ملی است.

وزیر دفاع افزود، مردم افغانستان با وجود دادن هزاران شهید در راه استقلال وآزادی هنوزهم درجبهات گرم جنگ قراردارند وبا گذشت هرروزقربانی داده، آرمان گذشته گان خود را تعقیب می کنند.

احمد ضیا مسعود، معاون اول رئیس جمهورمی گوید: باید آرمان های شهید در اذهان مردم پرورش یافته، تعقیب کردن راه شهدای دوران جهاد ومقاومت سرمشق خوبی برای پیشرفت نسل جوان کشورمی باشد.

آقای مسعود با اشاره به اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری گفت: امیدوارم که حکومت آینده از مشروعیت نظام مردمی برخوردار باشد، در غیرآن کشور یک بار دیگر به سوی بی ثباتی سوق داده خواهد شد. وی، خاطرنشان ساخت: نظام سیاسی آینده کشور باید جوابگوی نیازمندی های مردم افغانستان باشد و فقر و بی کاری کاهش یابد.

درهمین حال احمد ولی مسعود رئیس بنیاد شهید احمد شاه مسعود، هدف مراسم هفتهٔ شهید را تجلیل وبزرگداشت از خاطرات شهدای دوران جهاد و مقاومت مردم افغانستان دانست.

وی گفت: احمد شاه مسعود قهرمان ملی، اولین فردی بود که زنگ خطر تروریزم را درافغانستان به صدا درآورد، و اولین کسی بود که خود به دام تروریزم بین المللی در منطقه افتاد وبه شهادت رسید.

حاجی محمد محقق عضو مجلس نمایندگان گفت: ازهفته شهید باید درس آموخت. نخستین درسی که باید ازهفته شهید گرفت درس وحدت ملی وهماهنگی بین ملت افغانستان است . زیرا شهدای افغانستان به خاطر یک هدف وآرمان جان های خود را ازدست داده اند.

محقق مسعود شهید را مرد استثنایی خواند وافزود با آنچه که می گفت باورداشت وبا آنچه که باور داشت عمل می کرد.

قربانعلی عرفانی یکی از سخنرانان این همایش پیرامون شخصیت چند بعدی مسعود شهید سخن گفت، وی با اشاره به تقلبی که درانتخابات صورت گرفته افزود، کشور درآستانه وآزمون تاریخی قرارگرفته است. باید با این پدیده برخورد منطقی و شفاف صورت بگیرد ورأی مردم افغانستان ضایع نگردد.

شهید احمد شاه مسعود قهرمان ملی کشور، هشت سال قبل درسال ۱۳۸۰ توسط دوتن تروریست عرب که خود راخبرنگار معرفی کرده بودند در ولسوالی خواجه بهاء الدین ولایت تخار به شهادت رسید.

شهید احمد شاه مسعود یکی از مبارزان تاریخ افغانستان به شمار می رود وبه همین لحاظ لوی جرگه اضطراری افغانستان به او لقب قهرمان ملی داد. وروز شهادت وی به نام هفته شهید نامگذاری شده و تجلیل می شود.

گفتنی است یک روز به خاطریادبود از شهدای دوران جهاد ومقاومت و به خصوص شهید احمد شاه مسعود درافغانستان تعطیلات عمومی است و به جز از برگزاری مراسم رسمی درمرکز وولایات کشور، برنامه های دیگر چون شب شعر، ختم قرآن مجید ومراسم دعا خوانی و.... در- سرسر کشور برگزار می گردد.

استاد افزود، درصورتی که به آرای مردم بها وارزش داده نشود وجلو تقلب گرفته نشود، بدون شک مشکلات زیادی دامنگیر ملت خواهد شد

***

داکترعبدالله گفت، تمام تلاش آمرصاحب این بود که مردم سرنوشت خودشان را خود ازطریق رفتن به پای صندوق های رأی تعیین کنند وهرکس دراین وطن تنها حق یک رأی را داشته باشد. او افزود، آمرصاحب خواهان عدالت اجتماعی بود، ومی خواست فرهنگ برتری طلبی قومی از میان برود.



کشتار در کندز و استراتژی مک کریستال

وحید مژده

حدود سه ماه قبل ایالات متحدهء امریکا جنرال مک کریستال را در افغانستان بعنوان فرماندهٔ عمومی نیروهای امریکا و ناتو بجای جنرال مک کرنان تعیین کرد و در همان زمان گفته شد که مک کریستال شخصیت استثنائی و بسیار وارد در مسایل استخباراتی است. او کسی است که گروه تحت امرش در دستگیری صدام حسین رئیس جمهور سابق عراق و کشتن ابومصعب الزرقاوی و احتمالاً در کشتن پسران صدام حسین در حملات هوائی نقش عمده داشته است. دیوید مک کرنان که قبل از مک کریستال در افغانستان وظیفهء رهبری نیروهای این کشور را بعهده داشت به دلایلی که بیشتر به ضعف مدیریت وی رابطه داشت و بخصوص پس از کشته شدن بیش از یکصد غیرنظامی در فراه از وظیفه سبکدوش شد. جنرال مک کریستال قبلا تحت فرماندهی مک کرنان در عراق ایفای وظیفه نموده بود.

مک کریستال از زمان تقررش به پست جدید، اعلام نمود که در صدد ایجاد تغییر در استراتژی کشورش در افغانستان است و طبق گزارشها، وی اخیرا استراتژی جدیدی را در این خصوص ارائه داده که فقط بخش هائی از آن در رسانه ها به نشر رسیده است. گفته می شود که این استراتژی با درنظر داشت اشتباهات گذشتهء امریکا در افغانستان و مشوره با بزرگان اقوام، رهبران مجاهدین و شخصیت های اهل نظر افغان در مسایل سیاسی طرح شده است. بزرگترین این اشتباهات عدم توجه به حفظ جان غیرنظامیان بوده که موجب تحریک مردم به پیوستن به صف مخالفین شده است.

با توجه به همین مسئله، در استراتژی جدید نکتهء بسیار مهمی که اعلام شده اینست که کشتن طالبان دیگر در اولویت کاری ما نیست بلکه مهمترین اولویت حفظ جان غیرنظامیان افغان است. ناتو تحت رهبری جنرال مک کریستال کوشش خواهد کرد تا از راه کار با مردم، طالبان را از حمایت مردمی محروم ساخته و آنانرا تجرید نماید. بر طبق برنامهء جدید، استفاده از نیروی هوائی برای بمباران به حداقل کاهش خواهد یافت و حتی اگر تشخیص شود که طالبان در میان غیرنظامیان وجود دارند، از بمباران مناطق مسکونی خودداری خواهد شد.

مردم از همان آغاز از بس سخن از تغییر استراتژی شنیده بودند به این موضوع کاملاً بی باور شدند زیرا هربار که از تغییر استراتژی حرف زده شده، چندروز بعد شمار بیشتری از غیرنظامیان در حملهء نیروهای ائتلاف جان باخته اند و اکنون مردم کاملاً به این باور اند که ادعای تغییر در استراتژی دروغی بیش نیست و همان استراتژی قدیم دوران جورج بوش در عمل پیاده می شود وباقی ادعا ها بمنظور فریب اذهان مردم بخصوص در کشورهای غربی است.

واقعهء کشتار بیش از نود نفر در ولسوالی چهاردرهء ولایت کندز آخرین مورد از کشتار غیرنظامیان پس از اعلام استراتژی جدید است که مردم را بیش از پیش نسبت به وعده های امریکا بی باور می سازد. واقعه زمانی اتفاق افتاد که مخالفین دولت در این ولایت دو تانکر تیل را که از شیرخان بندر به نیروهای خارجی مواد سوخت انتقال می داد ربودند و آنرا بسوی علی آباد بردند.

امروز هم شیوهء برخورد با غنایم جنگی از طرف نیروهای مخالف دولت مانند دهها سال قبل و دوران تجاوز اتحاد شوروی است. در آن زمان وقتی موتر های حامل مواد غذائی یا سوخت به غنیمت مجاهدین در می آمد، اگر امکان انتقال به جای دیگر ممکن نمی بود، آنرا آتش می زدند و از بین می بردند اما اگر امکان انتقال میسر می بود، آنرا به محل امنی می بردند. معمولا تانکرهای مواد سوخت یا موتر های حامل مواد غذائی به روستاهای نسبتا نزدیک برده می شد و بعد در اختیار روستائیان قرار می گرفت. این کار در حقیقت جایزه یی بود که به روستا نشینان در برابر حمایت شان از مخالفین پرداخته می شد و وسیلهء تشویق موثری برای پیوستن افراد بیشتر به صفوف مقاومت بود.

نسل دوم همان مجاهدین که به صف مخالفین امروز دولت پیوسته اند به نظر می رسد که از تجربهء نسل اول در جنگ چریکی علیه شوروی سود می برند. ماجرای ربودن دو تانکر در کندز وبردن آن به یک روستا و سپس آنرا در اختیار روستا نشینان قرار دادن، تکرار کاری است که در دوران تجاوز شوروی به افغانستان معمول بود.

در چنین حالت معمولا جنگجویان، خود در نزدیک شکار خویش باقی نمی مانند بلکه در جائی دور از محل توقف موترها کمین می گیرند تا در صورت حملهء زمینی برای نجات موترها، بتوانند ضربهء دیگری به دولت وارد نمایند و احیانا سلاح و مهمات و تجهیزات به غنیمت بگیرند. در این حالت از موتر های ربوده شده بعنوان طعمه برای شکار استفاده می کنند.

در کندز نیز دقیقا همین واقعه اتفاق افتاد. تانکر ها شب هنگام ربوده شد و پس از انتقال به روستا، روستا نشینان با سطل و بشکه به انتقال تیل از آن پرداختند. نیروهای زمینی که از خطر کمین آگاه بودند، حمله نکردند اما در نزدیکی های صبح از تجمع مردم در اطراف تانکرها از نیروهای ناتو تقاضای حملهء هوائی نمودند و این فاجعهء بزرگ ببار آمد.

یک احتمال دیگر اینست که این تانکرها قصدا بدون موجودیت نیروی کافی امنیتی از شهر خارج شدند تا توسط طالبان ربوده شوند و بعد به جائی که محل تجمع طالبان است برده شوند. بعبارهء دیگر نیروهای خارجی خواستند تا از این تانکرها بعنوان طعمه برای تجمع و در نهایت کشتار طالبان استفاده کنند. جنرال مک کریستال به سازمان دهی حملاتی از این دست که با استفاده از راپور های استخباراتی در عراق انجام داده مشهور است. شکی نباید داشت که قبل از تصمیم به حمله، منطقهء مورد نظر توسط ماهواره دقیقا مورد ارزیابی قرار گرفته و سپس امر حمله صادر شده است. اگر واقعا چنین بوده باشد، این نهایت بی خبری آنان از وضع در افغانستان را نشان می دهد.

نیروهای آلمانی مستقر در ولایت کندز اعلام داشته اند که همهء کشته شدگان جنگجویان مسلح اند. این در حالیست که رسانه ها تصاویر کشته شدهء اطفال کم سن و سال را هم به نمایش گذاشته اند. افغانها مردم آلمان را همیشه دوست خود تلقی کرده بودند. کمک های کشور آلمان به افغانستان مورد توجه وستایش بوده است اما شیوهء برخورد فرماندهان نظامی آلمانی با این مسئله و نپذیرفتن مسئولیت کشتار بزرگی که مرتکب شدند قابل تاسف است.

ناتو اعلام داشته که در این مورد تحقیق خواهد کرد اما تحقیقات در وقایع مشابه بی نتیجه بوده و هرگز موجب اقناع مردم افغانستان نشده است. وقتی مسئولین کشتارها مورد بازپرس و مجازات قرار نگیرند، تحقیقات در مورد کشتار کاری بی مفهوم ومسخره است. تحقیقات بی ثمر در چنین موارد به معنی اینست که خون مردم افغانستان بحدی بی ارزش است که هیچکس بخاطر ریختنش حتی مورد پرسش قرار نمی گیرد.

این کشتار یکبار دیگر ادعاهای مبنی بر تلاش در جهت حفظ جان غیرنظامیان در افغانستان را نادرست ثابت ساخت و نشان داد که هیچ استراتژی جدیدی جز کشتار بیشتر برای ارعاب مردم افغانستان در دستور کار ایالات متحدهء امریکا و کشور های عضو ناتو قرار ندارد.

قرآن معجزهٔ جاویدان

به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن

سید احمد اشرفی — قسمت دوم

آری! شنونده تصور می کند اینجا خود زندگی است نه حکایت زندگی. ووقتی در نظر بگیریم که ابزار این تصویر، الفاظی است جامد، نه رنگهای تصویرزا ونه اشخاص سخنگو، گوشه ای از رازهای بیانی قرآنی بر ما مکشوف می گردد.» سید قطب، سپس مثالهای فروانی در سر تا سر کتاب خویش برای اثبات این مدعا ارایه می کند که دو مثال از آنها را بطور نمونه نقل می کنیم:

مثال اول: قرآن می خواهد این مفهوم را به ذهن شنونده برساند که: تنها خداست که دعا را استجابت می کند، اما خدایانی که مشرکان به آنها دست حاجت دراز می کنند، هیچگونه توانایی برای استجابت دعای آنها ندارند، و قادر به اعطای هیچ خیری به ایشان نیستند، هر چند که خیر نزدیک و در دسترس باشد. اما این مفهوم مجرد ذهنی را در قالب یک تصویر هنری ترسیم نموده چنین محسوس و مجسم می سازد: « لَهُو دَعْوَةُ ٱلْحَقِّ، وَٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُم بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَٰسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى ٱلْمَآءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَٰلِغِهِۦ. وَمَا دُعَآءُ ٱلْكَٰفِرِينَ إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ » (رعد: ۱۴)

دعوت حق، از آن اوست، و کسانی را کنه (مشرکان) غیر از خدا می‌خوانند، (هرگز) به دعوت آنها پاسخ نمی دهند. آنها همچون کسی هستند که کفهای (دست) خود را به سوی آب می گشاید تا آب به دهانش برسد، و هرگز نخواهد رسید. و دعای کافران جزدر گمراهی نیست.

دراینجا قرآن شخص زنده ای را به تصویر می‌کشد که هر دو دستش را برای گرفتن آب گشوده است، آب هم در نزدیکی وی قرار دارد، می خواهد آنرا به دهانش برساند اما نمی تواند، ولی اگر کمی دست خود را درازتر کند شاید که بتواند. این تصویر احساس و وجدان آدمی را چنان بخود جذب می کند که نمی تواند بدون زحمت توجه خود را از آن برگرداند. این در واقع از شگفت انگیزترین تصویرهایی است که می توان در قالب الفاظ ترسیم نمود.

مثال دوم: می خواهد حالت روانی کسانی را مکشوف سازد که خداوند معرفت را در اختیار آنها قرار داده، اما آنها از آن استفاده نمی کنند و تحت تاثیر هوا و هوسهای نفسانی و جاذبه های مادی، در برزخی از علم و جهل و در حالت از پستی و انحطاط، زندگی بسر می برند، نه در جهل و غفلت آرام می گیرند و نه در دانایی و معرفت احساس راحت می کنند.

قرآن این بیماری روانی را چنین به تصویر می کشد: « وَٱتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ٱلَّذِىٓ ءَاتَيْنَٰهُ ءَايَٰتِنَا فَٱنسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ ٱلشَّيْطَٰنُ فَكَانَ مِنَ ٱلْغَاوِينَ. وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَٰهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُۥٓ أَخْلَدَ إِلَى ٱلْأَرْضِ وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ، فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ ٱلْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث، ذَّٰلِكَ مَثَلُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا » (اعراف :۱۷۶)

و بخوان بر آنها سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم، ولی (سر انجام) خود را از آن تهی ساخت، و شیطان در پی او افتاد، و از گمراهان شد، و اگر می خواستیم او را با این آیات (وعلوم) بالا می‌بردیم (اما از آنجا که اجبار، برخلاف سنت ماست او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس خود پیروی کرد. مثل او همچون سگ (هار) است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز و زبانش را بیرون می آورد، و اگر او را به حال خودش واگذاری، باز همین کار را می کند. (گویی چنان تشنه دنیاست که هرگز سیراب نمی‌شود) این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند.

توجه می نمایید که تصویر فوق، مفهوم مورد نظر را صدها مرتبه قوی تر و رساتر به ذهن و مغز انسان القاء می کند. **ادامه دارد**

مسعود، هغه څوک چې ستړيا يې نه پيژندله



شفيق

ما پخپله شهيد مسعود نه وو ليدلی خو ترکومه ځايه چې د رسنيو د معلوماتو له مخې د نوموړي په هکله پيژندګلوي لرم نو هغه د ډېرو داسې صفاتو لرونکی ووچې د يو عسکري قوماندان او سياسي قايد لپاره پکار اوسي، نوموړي له کوچنيتوب څخه نظامی طبيعت لرلو او دخپلو همزولو سره د محلی لوبو په مهال د يوې ډلې مير(مشر) ووچې دغه کار د مسعود له ورو کتوب څخه د قيادت لپاره وړتيا او علاقه ښودله.

مسعود داسلامي نهضت له لومړينو لاروياتو څخه وو، هغه په ۱۳۴۸ هجري شمسی کال کې له شهيد انجينر حبيب الرحمن سره دليدنې په نتيجه کې د اسلامي نهضت له فعالو غړو څخه و ګرځيده او د شاهي نظام له ړنګيدو وروسته په ۱۳۵۳ هجري شمسي کال پاکستان ته مهاجر شو چې هلته د پاکستان جماعت اسلامي له مشرانو سره آشنا او دهغوی په مرسته يې نظامی روزنه لاس ته راوړه خو مسعود د سردار محمدداوودخان د رژيم پرخلاف په هغو لومړينو عملياتو کې د ګډون په نيت بيرته خپلې سيمې پنجشيرته راستون شو خو د خواجه محفوظ منصور په قيادت کې پلان شو و عملياتو کې برخه واخلي که څه هم د مجاهدينو د غه عمليات چې د ۱۳۵۴ هجري شمسي کال د په اوړي کې ترسره شو، کاميابی ته و نه رسيدل او مسعود بيا پښورته ولاړ خو هلته ډېره موده پاتې نشو او دانجينر حکمتيار سره د اختلاف لامله بيرته افغانستان ته راغی او له همدې ځايه يې د وخت د رژيم پرخلاف او په ځانګړې توګه د کمونيستي رژيم له راتګ وروسته په پنجشير کې د يوټکړه چريکي قوماندان په توګه تبارز وکړ چې د بيلابېلو جګړ و او چريکي عملياتو په دوران کې يې خپله نظامي وړتيا او عسکري قيادت وځلاوه او داسلامي جمعيت په چوکات کې د جهاد په لومړي ليکې د هغو تکړه قوماندانانو له جملې څخه وګرځيده چې د تاريخ په غيږ کې يې ځانونو ته ځيو نه پريښې.

ښايي د مسعود په شهرت او بريالیتوب کې د هغه ګڼو صفاتو دول اوسي، لکه د نوموړي نظامي طبيعت، ښه روزنه، تقوا، جنګي مهارت او... خو هغه څه چې زما په اند د مسعود په خپل ژوند کې د کاميابی راز د نوموړي سخت بدنې او ستړيا نه منلو خصلت، ښه تدبير او دقيق پلان جوړونه او دخپل هدف او مرام سره بې کچه مينه او ليوالتياوه.

د لومړني صفت د ثبوت په هکله دا کافي ده چې مسعود د خپل نظامي ژوند په اوږ دوکې له اوږ دې مبارزې کار واخيست او د کمونيستي رژيم پرخلاف يې جهاد او بيا د طالبانو د واکمنۍ پرخلاف ستړيانه منونکی مقاومت وکړ او پدې اوږده موده کې له جبهې او سنګر سره تړلی پاتې شو.

همدارنګه د عملياتو د پلان کولو په مهال به مسعود د يوټکړه جنګي قوماندان په توګه د منطقې جغرافيايي موقعيت په نظرکې نيولو سره د جګړې لپاره دقيقه نقشه کاروله او خپلو ملګروته به يې دجګړې په اړه بشپړه لارښوونه کوله او دلاړمو جنګي مهارت تکتيکونو او مهارتونو څخه د کار اخستلو لپاره به يې هغوی دخپل پلان په ابعادو او نقشه پوه کول چې همدا د نوموړي په عمليتو او جنګونو کې د کاميابی مهم راز وو چې روسانو و نشو کولای دغه جبهه تسخير کړي، ځکه د پنجشير عجيب جغرافيوي موقعيت او د مسعود جګړه ايز مهارت او دقيق پلان جوړونه او تکتيک کارونه دهغوی په وړاندې د سپر حيثيت درلود.

او دخپل هدف او مرام سره دلبې کچې مينې او ليوالتيا ثبوت دا دې چې مسعود د هيواد د لومړی ليکې د قوماندانانو له جملې څخه هغه مشهور قوماندان وو چې د جهاد په موده کې له خپلې سيمې او جبهې څخه يو خوا او بل خوا تګ غوره نکړ او له کومې ورځې څخه چې په دوهم ځل پنجشير ته راغلی وو د جهاد تربري لوري د خپلې جبهې سره تړلې پاتې شو او په دې دومره اوږده موده کې له يوه ځل پرته چې پاکستان ته لاړ او هغه هم د ډيرې اړتيا او دخپل سفر اهميت له مخې هم د ډېري لږې او کمې مودې لپاره تللې وو.

که روپاته د نوموړي سفر چې د طالبانو د واکمنۍ د پاي ورځو کې ترسره شوي وو، هغه هم د ډيرې کمې مودي او دير اهميت له مخې وو چې غوښتل د اروپائيانو ملاتړ لاسته راوړي او هم کولاي شي چې د مجاهدينو په هکله د اروپانيانو ذهنونه روښانه او ترشاو دروي. خو د مسعود سره بخت ياري ونکړ او دافغانستان د دښمنانو لخوا په ډيره حساسه مرحله کې شهيد کړای شو چې تش ځای يې تراوسه هم د هغو ملګروډ که نکړای شوه.

ادامه سرمقاله ...

متحمل شدند يکی از قربانی های بزرگ مردم در مقاومت، شهادت احمدشاه مسعود بود، احمدشاه مسعود اسطوره بزرگ جهاد و مقاومت مردم افغانستان در برابر اتحاد شوروی و تروريزم بود.

قهرمان ملی در زمان جهاد، موفق ترين و بزرگترين پايگاه را ايجاد و رهبری کرد و حملات متعدد استراتژيک اتحاد شوروی را با شکست روبرو نمود. او در اخراج نيروهای اشغالگر شوروی نقش عمده ايفاکرد و سرانجام توانست در همکاری با ديگر نيروهای اسلامی و ملی، دولت دست نشاندهٔ اشغالگران را سرنگون سازد.

احمدشاه مسعود در زمان مقاومت با موثريت و درخشندگی بيشتری قامت افراشت. او توانست درميان هسته های متعدد مقاومت در گوشه وکنار کشور، محوريت ملی ايجاد کند وآن را دربرابر تروريزم و تجاوزکاران هماهنگ وبسيج سازد. قهرمان ملی توانست خواب پيروزی تروريستان و اشغالگران را نقش برآب نمايد.

برگزاری هفته شهيد، حداقل ارجگذاری ملت افغانستان دربرابر چنين قربانی ها و رشادت های جهاد و مقاومت طولانی و پيگير مجاهدين و مقاومت گران است.

روح قهرمان ملی و همه شهدا، شاد باد.

در حق مردم جنوب بی انصافی ...

ولسوال ها به ناظران نامزدان اجازه ندادند، به محلات رای دهی داخل شوند.

بنابر اين عوامل، حکومت فرصت داشت به دور از ديد ناظران وخبرنگاران در اکثر محلات دست به تقلب بزند وصندوق ها را از رای های تقلبی به نفع آقای کرزی پر نمايد. نمونه روشن اين تقلب ها ولسوال، شورابک است که بنابر شهادت بزرگان آن ولسوالی حتی يک رای توسط مردم داده نشده، اما حدود۳۰۰۰۰ رای به نام آنها به نفع کرزی تسليم کميسيون انتخابات شده است.

از ديد نامزدان مخالف مخصوصا آقای عبدالله، اين حکومت آقای کرزی است که در برابر مردم جنوب بی انصافی کرده است وبنام آنها صندوق ها را از آرای تقلبی پر نموده است. در حقيقت آقای کرزی از طرف مردم تصميم گرفته وارادهٔ آنها را ناديده گرفته است، در مواردی مانند ولسوال شورابک که قبلا ذکر شد، دولت وکميسيون انتخابات عمدا وضعيت را به هم زده ومانع برگزاری انتخابات شده اند، تا بتوانند با خيال راحت صندوق ها را از رای تقلبی پر کنند.

واقعاً تقلبات گسترده در ولايات جنوبی توهين بزرگی به مردم آن ولايات است. اين تقلبات طوری نشان داد که مردم ولايات جنوبی وپشتون ها براساس گرايشهای زبانی وسمتی تصميم گرفتند تا تنها از حامد کرزی حمايت کنند وبه نفع او رای بدهند. حتی در برخی صندوق ها صددرصد به نفع او رای ريخته شده است در حال که اقوام ديگر تا اندازهٔ در مقياس ملی تصميم گرفتند وبراساس موضع گيری های سياسی از نامزدان مختلف از جمله آقای کرزی حمايت کردند.

دست کاری های که در صندوق ها توسط ماموران حکومتی وبا همکاری کميسيون انتخابات صورت گرفته چنين تصوری را به ميان آورده است. در حالی که اگر برای مردم جنوب وپشتونها آزادی داده می شد به آرای آنها احترام گذاشته می شد، بدون شک چنين نتيجه که اکنون از سوی کميسيون انتخابات اعلان می شود، ديده نمی شد.

از جانب ديگر در خشونت های چند سال اخير که در کشور وجود دارد وامنيت تمام مردم افغانستان را بر هم زده است، متاسفانه قربانی اصلی آنها مردم جنوب و پشتون ها هستند . ادامهٔ جنگ وناامنی دليل روشنی ناکامی حکومت کنونی است، گمان می شد اين ناکامی مردم افغانستان، مخصوصاً ساکنان ولايات جنوبی را وا دارد تا در فکر تغيير وپايان چنين حکومتی باشند، در حقيقت هم چنين پيامدی طبيعی به نظر می رسيد در ولاياتی که واقعاً تا اندازهٔ زمينهٔ آزادی رای دهی وجود داشت مردم چنين تصميمی را اتخاذ کردند واکثريت برای تغيير رای دادند.

اما نتيجهٔ رای گيری در ولايات جنوب برعکس بود، يعنی قربانيان اصلی خشونتها که از ناکامی دولت کنونی بيش از ديگران متضرر شده اند، گويا برای ابقای اين حکومت آن هم بصورت گروهی وبيش از نود درصد رای دادند، چنين نتيجهٔ براثر تقلب به ميان آمده وازاين جهت به مردم جنوب توهين است که نشان می دهد گويا آن ها نتوانستند درک کنند که برای تغيير در وضعيت بينديشند وبراساس آن آرای خودرا استعمال نمايند.

بنابراين کسانی به آرای ولايات جنوب احترام نگذاشتند وبه آنها توهين کردند که در آرای آن ها تقلب کردند وعوض آنها تصميم گرفتند، اين تقلب به اين معناست که آن مردم شايستگی رای دادن وتصميم گرفتن را ندارند و يا شماری معدودی به عوض آنان تصميم بگيرند وصندوق ها را به نام آن ها با آرای تقلبی پر کنند.

در حقيقت امر قربانی ومتضرر اصلی تقلب ولايات جنوب وپشتون ها هستند وطبيعتا بر اثر اين خيانت ساير اقوام وتمام مردم افغانستان متضرر گرديده اندو فرصت انتخابات وکاربرد اراده آزاد خويش را از دست دادند.

ادامه از صفحه دوم

نشانه های قدرت حق در زندگی احمدشاه مسعود

۹ـ مسعود شکست جنگ جلال آباد (ثمر خیل) را که در دائره وسیعی توسط حزب اسلامی تهیه دیده شده بود و همه آن را نهایت نفس های رژیم نجیب به حساب می آوردند، پیش بینی کرد. این هم در ظاهر دلیلی نداشت. ولی چنین شد.

۱۰ـ مسعود وقتی نا رضایتی ملیشه های قومی نجیب (دوستم، کیان، مومن و...) را در شمال کشور متوجه شد، اقدام به تطمیع ملیشه ها و در نهایت سقوط رژیم کرد. اگر کسی دیگری به جای مسعود می بود، دوری خود را از مرز های کابل و نزدیکی مجاهدین حزب اسلامی را به مرکز، به خصوص پروان، کاپیسا، جنوب و شرق کابل، و این که این مناطق میان او و کابل حائل است، هیچگاه به پیروزی خود و داخل شدن کابل مطمئن نمی شد. اما مسعود به این امر موفق شد و در این ولایات هم گویی کسی سر راهش نبود و اصلا مشکلی پیش نیامد. این معما تا حال هم پاسخ درست علمی ندارد.

من همان شب در اسلام آباد در جای دوستم بودم و در مجلسی که اکثر آن اعضای حزب اسلامی بودند. همه متیقن بودیم که سقوط رژیم توسط نیرو های حزب صورت گرفته است، چون اطراف کابل جبهات حزب بود. در همان مجلس معلوم گردید که این تکتیک مسعود بوده است و مسعود است که رژیم را از پای در آورده است. حزبی ها در آن شب سخت متأثر شدند و اصلا باور نمی کردند که چنین کاری ممکن باشد. آن شب احساس کردم که بسیاری ها هستند که در افغانستان بخاطر قدرت و حزب خود می جنگند نه به خاطر خدا، اسلام و آزادی!

۱۱ـ مسعود، بعد از پیروزی تمام تنظیم های جهادی را اختیار تام برای تشکیل اداره و حکومت داد. این بدین معنا بود که او برای همیش دامن خود را از قدرت خواهی و یکه تازی پاک کرد! اگر چشم حق بین باشد، چنین می نماید که؛ گویی او همهء این حوادث بعدی را پیش بین بود و نباید لوث آن را بر دامن مبارزه پاک خود می نشاند. این هم تأیید فوق العاده و خدایی می خواهد. نه پیش بینی بشر عادی.

۱۲ـ مسعود بعد از جنگ ها و ویرانی های که سببش دیگران بودند و در برابر دشمن. یعنی طالبان! او بعد از یک مقاومت طولانی و خروج از کابل چنان اقداماتی را انجام داد که در هیچ فکری نمی گنجید و در تاریخ افغانستان سابقه نداشت. او شش سال مقاومت کرد و به گفتهء خود تا اندازهء کلاهش هم زمین برایش تنگ شد. گویی اینکه هاتف غیبی در گوش او می گفت که؛ مقاومت کن شکست ندارد! مسعود هر باری که همه مصمم به تسلیمی و خروج از وطن می شدند، چنان پیش بینی خلاف عامه می کرد که، حتی اطرافیانش در آن شک می کردند و صرف به دلیل عشق و محبت با او همراهی می کردند. ای بسا که شنیده شد و گفتند: این دیوانگی و خود خواهی است. ولی در نهایت حق از آن مسعود بود و دیگران به دامن او پناه می بردند.

هیچ رژیم و حکومتی در تاریخ افغانستان بعد از سقوط مرکز (کابل) مقاومت نکرده و یارای دوام را نداشته است. این مسعود بود که در محدودهء یک ولسوالی (خاجهء غار) هم به پیروزی خود شک نداشت.

۱۳ـ از همه مهم گوشه های ذلت و عزت شخص انسان است.

* مسعود هیچگاه مجبور نشد در موقعیتی قرار نگرفت که به دشمن کرنش کند. خلاف عقیده و آرمان هایش حرف بزند و یا هدفی از اهداف و یا کرکتری از کرکتر های شخصی خود را زیر پای بگذارد.

* وقتی که او مجبور شد از سر زمین تاجکستان کمک گیرد، او هیچگاه در دوشنبه به عنوان یک شخص محتاج پای نگذاشت. از او در تاجکستان به عنوان سرور پذیرایی می شد. در این کشور تیم های سپورت، محلات عمومی و حتی مراکز علمی را به نام او نام گذاری کردند.

او هیچگاه برای رفتن به تاجکستان ویزه و اجازه نمی خواست و وقتی در میدان هوایی پیاده می شد، صاحب منصبان تاجک و حتی بعضی از روس های باقی مانده در نظام تاجکستان، به او سلام نظامی می زدند. آمد آمد او در میدان های هوایی غلغه بر پای می کرد و هر کس آرزو داشت که تنها به دیدن او مشرف شود.

* درست بیاد دارم، در سخت ترین شرایط که باقی ماندهء ولایات شمال، به شمول تالقان و دیگر جای ها سقوط کرده بود. در خانهء ریگستانی در دوشنبه نشسته بودیم. غیر از پنجشیر و بدخشان باقی همهء جایی ها سقوط کرده بود و همه خواب خدا حافظی با نظام و کشور را می دیدند.

در این وقت که به کمک های لوژستیکی و مهمات نظامی شد ضرورت بود، به فهیم خان امر داده بود تا از راه پیاده خود را به پنجشیر برساند و مردم را سر و سامان بدهد، او پریشان حال منتظر رسیدن فهیم خان نشسته بود در آن مجلس حاجی عبدالقدیر از ننگرها و بعضی از اشخاص دیگر هم حضور داشتند. شخصی از دروازه وارد شد و گفت: یک جنرال روسی که شخصی مهمی است، می خواهد با شما ملاقات کند؟ او جویای موضوع ملاقات او شد. گفتند: او می خواهد مقداری مهمات را به شما به قیمت ارزان بفروشد و مقداری پول پیشکی می خواهد! در پاسخ با بسیار خونسردی گفت. او را رخصت کنید، وقت ندارم. اگر اینقدر پول می داشتم حالا تالقان را آزاد می کردم!

این نشان می دهد که، او در بد ترین حالات هم دست و پاچه نمی شد و حتی از کسانی که از آنها بنام حمایت گران او نام می برند، استقبال نمی کرد و با بسیار سادگی آنها را رخصت می کرد.

* او برای این که حکومت تاجکستان برای مدت کوتاهی با مهاجرین افغانی بر خورد بدی را شروع کرده بود، فامیل خود را از آنجا به رسم احتجاج و برای همیش انتقال داد. کوشش سران تاجک در مانع شدن این امر بی نتیجه ماند. یعنی اینکه او آبرو و عزت مردم و مهاجرین را بر منافع مهم خود ترجیح می داد و نمی خواست در بدل منفعت خود حتی مردمش آزار ببیند. اینها نشانه ای از وارستگی کامل یک انسان است که هر کس قادر به آن نیست.

۱۴ـ در نهایت هم که بعد از عملیات القاعده به برج های نیویارک و آمدن امریکا بنیاد گرا ترین و اصولی ترین شخص در افغانستان هم مجبور شود که در برابر تجاوز قوای اجنبی به کشور مهر خاموشی بر لب بزند، همان هایی که مرگ بر امریکا جزء اذکار شان بود، مجبور شدند با سیاستمداران ونظامیان امریکایی طوری حشر و نشر شوند.

حتی بعضی های دیگر برای احراز چوکی برای دوستی با امریکا مسابقه کنند. اما مسعود در این وضعیت این جهانی را که ذلت بار است و انسان را در تنگنا قرار می دهد، وداع کرد. این دیگر نهایت رحم خداوند بر کسی است که، در هیچ صورت او را مجبور به کرنش در برابر دشمنانش نگرداند و با آبرو و عزت از جهان ببرد.

پس من قانع هستم که او مرد حق بود و خداوند او را عزت داده بود. نخواست که عزتش تحت سوال برود.

* مرگ با عزت به مراتب بهتر از زندگی در ذلت است. پس این کی بود که مسعود را نگذاشت در زندگی گرد ذلت بر سیمای او بنیشیند بدون شک خداوند بزرگ، عزت دهنده و ذلت دهنده بود.

* او امروز و برای قرن ها در دلهای زیادی از مسلمانان جای خواهد داشت و دعای خیر ایشان نثار مقدمش خواهد بود. دعای خیر مسلمانان عزت دائمی برای انسان است و اگر خطایی در کار باشد، إنشاء الله خداوند بزرگ برای آمرزش وی، دعای یکی از این میلیون ها انسان مخلص و بی غرض را قبول می کند.

* مقبرهٔ او محل زیارت و دعای خیر مسلمانان است و در جایگاهی قرار گرفته است که دست دشمنان ابدا به آن نخواهد رسید و حتی قبرش هم از لوث دست بدکاران در امن است.

* کسانی که از نزدیک با او زندگی کرده بودند، بدون شک و هیچگاه از او خاطره یی غیر اسلامی و یا زشتی ندارند.

* دشمنان او که کمی انصاف داشتند، بعد از مرگ او متأسف شدند و به زیارت قبر او رفتند. این نهایت نشانهء عزت شخصی بعد از مرگ او است. از جمله ملا مجاهد بعد از خلاصی از زندان امریکایی ها چنین کرد و این عزت را عملا به نمایش گذاشت!

* دلایل بسیاری هست که می شود در این باره نگاشت، ولی من به این اشارات جسته و گریخته اکتفاء می کنم. و از خداوند بزرگ با عاجزی و تضرع می خواهم که؛ روزی برسد که دشمنان معاند او هم به حقانیت او اعتراف کنند و با این کار بار گران محکومیت وجدان را از دوش خود بردارند.

آمین یا رب العالمین

استاد عطامحمد نور والی بلخ: تظاهرات مسالمت آمیز...

آقای نور گفت وزیر داخله گزارشهای بی اساسی را از ولایت بلخ به شورای امنیت ملی، لوی سارنوالی ویوناما می دهند که هدف آن توطئه علیه والی بلخ می باشد.

آقای عطا محمد نور، آقای اتمر وزیر داخله را متهم کرد که با روشهای کمونستی مردم را تهدید به سرکوب می کند، این سخنان وی اشاره به اعلامهٔ چند روز پیش وزارت داخله ودفاع دارد که در آن از سرکوب اعتراضات به علت نارضایتی از نتایج انتخابات حرف زده بودند.

والی بلخ با اشاره به انتخابات گفت که راه پیمایی های مسالمت آمیز واعتراضات قانونی حق مردم بوده هیچ کس نمی تواند با آن مخالفت کند.

وزارت داخله با صدور اطلاعیهٔ اظهارات والی بلخ را رد نموده از شورای امنیت ملی وسارنوالی خواسته است تا جهت بررسی موضوع هیأتی را به آن ولایت اعزام نماید.

استاد عطا محمد نور اگر چه قبل از انتخابات اعلان نموده بود از نامزدی داکتر عبدالله در انتخابات حمایت می کند، اما از امکانات دولتی به نفع آقای عبدالله استفاده نکرد، و در هیچ همایشی انتخاباتی نیز مردم را دعوت به حمایت از داکتر عبدالله ننمود. او در مصاحبه با رادیو بی بی سی گفته است وقتی او اعلان کرد که در انتخابات به داکتر عبدالله رای می دهد دوستان و هواداران وی از داکتر عبدالله حمایت کردند.

خواست جامعه جهانی برای رسیدگی به شکایات ...

این گروه ناظران تاکید کرده اند که آنها تا پایان بررسی ادعاهای تقلب در انتخابات و اعلام نتایج نهایی انتخابات، در افغانستان حضور خواهند داشت.

بیش از دو هزار مورد شکایت در مورد رفتارهای خلاف در انتخابات افغانستان، به کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخابات رسیده که از این جمله، به گفته مقامات، حدود ششصد مورد آن جدی است و اگر ثابت شود، می تواند روی نتایج انتخابات تاثیر بگذارد.

برخی رسانه ها از قول مقامات غربی گزارش کرده اند که احتمالا حدود یک میلیون رای به اشکال غیر قانونی در صندوق های رای ریخته شده است.

کمیسیون انتخابات افغانستان روز سه شنبه گذشته نتایج ۹۱ درصد آرای انتخابات را اعلام کرد که در آن حامد کرزی، رئیس جمهور کنونی افغانستان حدود پنجاه و چهار درصد آرا را به خود اختصاص داده است. اما این خبر، به شدت تحت شعاع ادعای تقلب در انتخابات قرار گرفته است.

کاخ سفید هم با صدور بیانیهٔ با ذکر تقلب در انتخابات افغانستان تأکید کرده است که باید به یکایک شکایات رسیده گی شده وشفافیت انتخابات تأمین گردد.

سفیر امریکا در کابل ونمایندهٔ سازمان ملل در افغانستان نیز در ملاقاتی که هفتهٔ گذشته با رئیس جمهور داشتند بررسید گی به شکایات تأکید نموده خواهان شفافیت انتخابات گردیدند.

درس های از زندگی قهرمان ملی ...

تصامیم را یادداشت میکردم ، با ارایهٔ برنامهٔ تعرض به مواقع دشمن وتشخیص نقاط ضعف آن ها، کسانی که شناخت از برنامه های نظامی او نداشتند مجاب کرد که پیروزی بر دشمن ازاین طریق میسر است.

وبالآخره مسعود با شناختی که ازاسلام داشت، به این باور بود که پیروزی حرکت های مردمی درکشور های اسلامی جز ازطریق برنامه های اسلام باورانه درعرصه های مختلف، ازراه دیگری میسر نبوده وگواه این مدعا همان پاسخ او به تعدادی زیادی رهبران احزاب چپی ازجمله امان الله استوار، دردوشنبه که می خواستند به اصطلاح آنان، جبههٔ وسیعی را بدون مراعات... درمقابله با طالب تشکیل دهند- بود که گفت: عامل عمدهٔ پیروزی ما دربرابر دشمنان کنونی تنها اسلام و باورهای اسلامی است.

آری! دراخیر با ذکر آنچه گفته آمدیم باید پرسید که نسل جوان کشورما چه درسی اززندگی قهرمان ملی کشورمی گیرند؟

همان گونه درمقدمهٔ این مقال بدان اشاره رفت، تأریخ اززادن قهرمان وشخصیت های استثنائی عقیم نبوده ومی شود درمیان هرملتی شخصیت های استثنائی به بارآیند وسرنوشت ملت خود را به گونهٔ ایده آل ومطلوب ترسیم کنند، جوانان دراین مرحله هرسال به بهانه سالگرد شهادت قهرمان گردهمایی ها واجتماعاتی را تشکیل می دهند درپهلوی این کارها که عملی است بس ستوده و قابل تقدیر و تمجید و تاریخ ملت ها هم با اجرای امری چنین کارها فربه و فربه تر می شود- نباید ازنظر دور داشته باشیم که با تعقیب نقش قدم قهرمان ها درمیان هرملتی می توان ازیک طرف یادواره های آن را گرامی داشت و از طرف دیگر جوانان ما می توانند با تعقیب خطوط کاری قهرمانان خود هم درخط قهرمانی قرار گیرند وتاریخ ملت وکشورخویش را بیشتراز پیش فربه تروخواندنی سازند.

تودردریا نه نی اودربرتوست

به توفان درفتادن جوهرتوست

چویکدم ازتلاطم ها بیاسای

همین دریای توغارتگرتوست

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت میکنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ بیست و چهارم ۲۱- سنبله ۱۳۸۸- ۲۲ رمضان المبارک ۱۴۳۰ – 12-septembar - 2009

استاد عطامحمدنور والی بلخ:

تظاهرات مسالمت آمیز واعتراضات قانونی حق مردم است

***

وزیر داخله در صدد برهم زدن امنیت در ولایت بلخ است



استاد عطا محمد نور والی ولایت بلخ در سخنرانی که به مناسبت سالروز شهادت احمد شاه مسعود قهرمان ملی در شهر مزار شریف ابراز کرد وزیر داخله را متهم نمود که درصدد بی ثبات ساختن ولایت بلخ است، وی گفت وزیر داخله بصورت مخفیانه به افراد غیر مسئول ومخالفان دولت در آن ولایت سلاح توزیع می کند و از همکاری با نهادهای امنیتی که مشغول مبارزه با تروریزم وقاچاقبران است، امتناع می کند.

والی بلخ تصریح کرد که مسئولیت هر نوع درگیری ونا امنی در آن ولایت بدوش کسانی است که بصورت غیر قانونی دست به توزیع سلاح در آن ولایت می زنند.

ادامه درص۹

داکتر عبدالله از تقلب های بزرگ در انتخابات پرده برداشت

روز شنبه هفته گذشته داکتر عبدالله در نشست خبری از تقلب های بزرگ در انتخابات پرده برداشت.

آقای عبدالله با استناد به تار نمای کمیسیون انتخابات اظهار نمود که مراکزی وجود دارد که آقای کرزی در آن مراکز صد در صد رای آورده و شمار آرای وی اعداد تام ۵۰۰ است. درین صندوق ها حتی یک رای به نامزدان دیگر داده نشده است. چنین نتایج نشان میدهد که در آن صندوق ها تقلب سازمان یافته صورت گرفته است. این نامزد ریاست جمهوری تاکید کرد که طبق اصول شمارش آراء اگر یک نامزد، در یک مرکز رای گیری بیش از ۹۰ در صد رای داشته باشد، باید مورد شک قرار گرفته برسی شود، اما کمیسیون انتخابات تا کنون دراین زمینه کار انجام نداده است.

شماری مراکز رای دهی غیر فعال موضوع دیگر تقلب بود که داکتر عبدالله از آن یاد کرد وی توضیح داد که یک روز پیش از برگزاری انتخابات، کمیسیون اعلام کرد که ۴۴۲ مرکز رای دهی به دلیل نا امنی بسته خواهند بود، در روزی رای گیری، علاوه براین تعداد، در ۳۰۰ مرکز دیگر نیز بر اثر حملات تروریستی، انتخابات انجام نیافت. اما اکنون کمیسیون انتخابات اعلام می کند که تنها در ۲۱۷ مرکز انتخابات برگزار نشده است. داکتر عبدالله این موضوع را از موارد مهم دیگر تقلب در انتخابات خواند.

داکتر عبدالله از تقلب در ولایت پکتیا یاد آوری نمود و آن را مضحک و فکاهه خواند وی گفت تا هنوز که۱۳ در صد رای پکتیا اعلان شده که شماری آن به ۳۸ هزار می رسد، بر اساس این تخمین کمیسیون انتخابات، آرای پکتیا به سه صد هزار می رسد. در حالی که طبق آرایی که دولت و منابع خارجی در سال ۲۰۰۷ داشتند. جمعیت آن دلایت به ۳۷۰ هزار می رسد، بنابراین آرای پکتیا دوچند شمار واجدین شرایط رای دهی در آن ولایت است.

داکتر عبدالله درآن زمان در برخی ولایات را تقلب دیگر در انتخابات ذکر کرد. وی تاکید نمودکه در ولایات خوست، پکتیا، پکتیکا، غزنی و قندهار، در روز انتخابات زنان شرکت نکرده اند. اما صندوق های مربوط زنان در این ولایات پرشده است.

داکتر عبدالله تصریح کرد اگر به شکایات رسیدگی نشود و آقای کرزی با تقلب گسترده ابقا گردد، نتایج این انتخابات را نمی پذیرد. وی گفت آقای کرزی قدرتی را که متکی به تقلب بوده و فاقد مشروعیت است، با نیرو و پول خارجیان نخواهد توانست حفظ کند.

داکتر عبدالله کمیسیون انتخابات را مورد انتقاد جدی قرار داد و با صراحت گفت که این کمیسیون در تقلب های گسترده با دولت همکاری نموده است.

وی گفت تا اکنون مردم را به صبر وشکیبای دعوت نموده. اما در صورتیکه حق مردم ضایع شود و به شکایات رسیدگی نشود، نمی تواند حق مردم را نا دیده بگیرد، در این صورت برگزاری اعتراضات حق قانونی مردم است. کمیسیون انتخابات، تا کنون در برابر انتقاد گسترده ملی و بین المللیاز تقلبات و قانون شکنی های فراوان به دفاع از کار نامه خویش پرداخته و انتخابات را شفاف می خواند، اما برخی گزارشها که در رسانه های خارجی و داخلی انعکاس یافته می رساند که شماری از اعضای کمیسیون در برابر تقلبات و قانون شکنی های که از طرف آن کمیسیون صورت گرفته واکنش نشان داده خواستار شفافیت و بی طرفی در کار آن کمیسیون گردیده اند.

خواست جامعه جهانی برای رسیده گی به شکایات در انتخابات افغانستان افزایش می یابد

گروه نظارتی اتحادیه اروپا بر انتخابات افغانستان اعلام کرده که بررسی های آن از انتخابات بیست و نهم اسد افغانستان نشان می دهد که صندوق های رای به شکل گسترده ای با آرای غیرقانونی پر شده است.

ماموریت اتحادیه اروپا برای نظارت بر انتخابات افغانستان (EU EOM) با انتشار اعلامیه ای گفته است، اعتراض های گسترده ای که نسبت به انتخابات افغانستان، به کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخابات رسیده، می تواند آرای صدها مرکز رای دهی را در سراسر کشور تحت تاثیر قرار دهد.

ماموریت نظارت اتحادیه اروپا بر انتخابات افغانستان که متشکل از هفتاد ناظر و تحلیل گر از بیست و پنج کشور جهان است، در اعلامیه خود نوشته است که صدها هزار رای به شکل غیرقانونی به صندوق ها ریخته شده است.

این گروه نظارتی افزوده است که کمیسیون انتخابات افغانستان در شمارش آرا، این گونه آرا را نیز شامل کرده و آن را به مجموع آرای انتخابات افزوده است.

این گروه در اعلامیه خود نوشته است: "از آرای مجموع ۱۸۸۷۷ مرکز رای دهی که تا تاریخ شش سپتامبر شمار شده بود، در ۲۴۵۱ مرکز رای دهی، آرایی که به یک نامزد مشخص داده شده بود، بیش از ۹۰ درصد را تشکیل می داد."

ناظران انتخاباتی اتحادیه اروپا همچنین گفته اند که آرای استفاده شده در ۲۱۴ مرکز رای دهی، بیشتر از تعداد رای دهندگان در این مراکز بوده است .

ادامه درص۹

به مردم جنوب بی انصافی شده است

پس از برگزاری انتخابات که با تقلبات وقانون شکنی های فراوان همراه بود، اکثر نامزدان ریاست جمهوری به ویژه داکتر عبدالله، حکومت وستاد انتخاباتی رئیس جمهور کرزی را متهم کردند که در آرای ولایات جنوبی دست کاری نموده وتقلبات گستردهٔ به نفع وی در آن ولایات انجام داده است.

در مقابل سخنگویان آقای کرزی این را نپذیرفته ادعا دارند که در برابر ولایات جنوب بی انصافی شده وآرای آنها تقلبی خوانده می شود.

از دید نامزدان معترض عللی که باعث انجام تقلبات گسترده در ولایات جنوب شده، این است که در آن ولایات جنگ جریان دارد وامنیت تأمین نیست، بخشهای از آن ولایات تحت تسلط مخالفان قرار داشته ودر قسمتهای دیگر نیز در روز انتخابات، جنگ وحملات تروریستی صورت گرفت که به علت آن مردم نتوانستند رای بدهند. به علت حضور مخالفان و ناآرامی ها ناظران خارجی وداخلی موفق شدند از پروسه رای دهی در ان ولایات نظارت درست نمایند، در برخی ولسوالی ها نیز ماموران حکومتی، مخصوصا

ادامه درص۸